

ما و انتخابات ریاست جمهوری

شرکت با عدم شرکت ما در انتخابات ریاست جمهوری، با توجه به وضعیت مبارزه طبقاتی، صف بندی نیروها و وظایف کمونیست ها در شرایط کنونی تعیین خواهد شد.

همان گونه که مردم آگاه و مبارز ایران می دانند قانون اساسی ارتجاعی جمهوری اسلامی از پیگیرترین نیروهای انقلابی یعنی نیروهایی که در سیاه تریس سال های دیکتاتوری شاه، برچم دار مبارزه ای خونین علیه امپریالیسم امریکا و رژیم شاه بودند، حق انتخاب شدن در انتخابات ریاست جمهوری را سلب کرده است. مطابق این قانون تیمسارهای ارتش شاه و آتشی که خدمتگذار امپریالیسم امریکا بودند و از شاه تاج و نشان دریافت می کردند، می توانند کاندیدای ریاست جمهوری باشند و هیچ محدودیتی برای آنها وجود ندارد. امسال بقیه در صفحه ۴

در راهبیمالی شنبه ۱۲ دی ماه که علیه توطئه سرمایه داران لیبرال و در حمایت از ادامه افشارگری ها برگزار شد مردم فریاد می زدند:

"افشای امریکائی باید ادامه یابد"

"خروش هرکارگر فریاد هر پرورگر، مرگ بر سازشکار"

"خود مختاری خواسته خلق ایران، خودگردانی فریب سازشکاران"

در صفحه ۲



صف بندی طبقات ابعاد مشخص تری می یابد

به سال افشای حاسوسی امیر انظام و افشارگری هایی که در نازار باررگان و شرکاء صورت گرفتند. مبارزه ضد امپریالیسم لیبرال دامه مانور خود را امیر انظام دادند و توده ها در مسیر کسب تحارب سیاسی تازه ای قرار گرفتند. مبارزه ضد امپریالیسم عمق بیشتری یافت و ابعاد طبقاتی آن ابعاد مشخص تری پیدا کرد. شورای انقلاب برای این که مبارزه بقیه در صفحه ۵

در این شماره:

تیمسار ارتش شاهنشاهی در یادار مدنی
کاندیدای ریاست جمهوری است

در صفحه ۲

دهقانان زحمتکش جلکون:

"زمیندار نابود است دهقان پیروز است"

در صفحه ۴

رابطه آموزش و پراکتیک

در صفحه ۸

بمناسبت صدمین سالگرد تولد رفیق حیدر عمو اوغلی (قسمت دوم)

«هرچه حیدرخان بگوید راست است» (ستارخان) در صفحه ۷

یکصدمین سال تولد استالین، رهبر کبیر حزب کمونیست شوروی را به پروتاریای جهان، تبریک می گوئیم

"استالین" برای انقلابیون کمونیست جهان، نامی درخشان رهبری بزرگ و کمونیستی عمیقاً وفادار به طبقه کارگر و آرمیان سوسیالیسم است. ما در شماره آینده به مناسبت بزرگداشت صدمین سالگرد تولد "ژوزف استالین" که با ساختمان نخستین کشور سوسیالیستی جهان پیوندی جدائی ناپذیر دارد، یاد خواهیم کرد.



سرمقاله ما، شورای انقلاب و تحولات اخیر افغانستان

پس از سرنگونی رژیم "داودخان" در افغانستان، خوانین، سران عشایر و فئودال ها که مورد پشتیبانی مستقیم و غیرمستقیم، آشکار و پنهان امپریالیسم امریکا و دولت های ارتجاعی منطقه بودند، به بهره برداری از عقب ماندگی توده ها در برخی ایالات افغانستان علیه دولت "تره کی" وارد عمل شدند.

عدم اتکای احزاب چپ به توده های وسیع دهقانان زحمتکش و عدم بسیج آنان علیه فئودال ها و امبدان احزاب به کسب و تحکیم قدرت از طریق کودتا از یک سو و دخالت ها و دسیسه های امپریالیسم امریکا و خوانین و سران مروج عشایر از سوی دیگر، باعث شده است که بخشی از دهقانان نا آگاه تحت تاثیر تبلیغات ارتجاعی قرار گرفته و در جبهه فئودال ها قرار گیرند و علیه منافع تاریخی خود اقدام کنند.

نادیده گرفتن آموزش های انقلابی مارکسیسم - لنینیسم و تجارب خلق های پیروزند جهان و در راس آن نمونه و پتانسیل قهرمان، در سیاست ها و متنی "حزب خلق" و "حزب پرچم" موجب شده است که طی دوده فعالیت آن ها و در شرایطی نسبتاً مساعد و حتی چند سال پس از سرنگونی "داودخان" هنوز آگاهی خلق در حدی باشد که بسیاری از دهقانان زحمتکش و محروم افغانستان به خوانین مرتجع و سران عشایر اعتماد کرده و از شکل لازم برخوردار نباشند. در نتیجه نیروهای ترقی خواه افغانستان در سرکوب فئودال ها و عوام مسل امپریالیسم امریکا که بخشی از دهقانان را به دنبال خود کشیده اند، ناتوان شدند و نتوانستند به نیروی مسلح توده دهقانان متکسی گردند.

شاهد بودیم که فئودال ها و عوام مسل مستقیم امپریالیسم امریکا و حکومت پاکستان، و دوستان و متحدان ایرانی فئودال های افغان با تحریک احساسات مذهبی دهقانان و بهره برداری از نا آگاهی آنان بخشی از توده زحمتکش را به سوی خود کشیده اند. حمایت مستقیم اتحاد شوروی از دولت جدید افغانستان و اقمیتی متناقض را در خود دارد. این واقعیت از یک سو بیانگر آن است که اتحاد شوروی در برابر دسیسه فئودال ها و نیروهای ارتجاعی منطقه به دفاع از حکومتی برخاسته است که در جهت منافع توده مردمی عمل می کند که به منافع تاریخی خود آگاه نیستند و از سوی دیگر بیانگر شکست "حزب پرچم" در جلب اعتماد توده ها، شناساندن خود به آنها، تربیت و شکل و تسلیم آنها و اتکا به نیروی آنهاست. این واقعیت نشان می دهد که "حزب پرچم" در طول حیات سیاسی خود پیش از آنکه به نفوذ در توده های افغان افسان اندیشیده باشد، به نفوذ در ماشین حکومتی و سخنبرداری از طریق کودتا می اندیشیده است.

بقیه در صفحه ۴

مردم مبارز تهران!

برای گسترش مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقمان در اجتماع شنبه ۱۵ دی ماه ساعت سه بعد از ظهر که بدعوت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در دانشگاه تهران برگزار میشود، شرکت کنید.

شورای کشاورزان سد وشمگیر را چه کسانی تشکیل می دهند

● در این شورا زمین داران بزرگ به منظور توطئه علیه دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا بسیج شده اند.

زمین داران ترکمن صحرا مانند گذشته دست به دسیسه چینی، جنگا فروزی و کشتار روستائیان می زنند، اختیار تحریکات این عناصر منقرض شدت گرفته است، آنها با ایجاد هرج و مرج و آشوب و بسا بر خورداری از حمایت کمیته های اسلامی منطقه در جهت سرکوب مبارزات دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا دست به توطئه می زنند. در صدند حقوق و ثمرات مبارزات خلق ترکمن را با پامال سازند.

زمین داران می گویند دوباره زمین های دهقانان را غصب کند، آنها در عین حال به تناسب اوضاع و احوال خود را متشکک ساخته اند و زیر نام "شورای کشاورزان وشمگیر" تمامی زمین داران بزرگ منطقه گرد هم آمده و فعالیت های خود را علیه دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا سازمان می دهند. برای بر ملا ساختن ماهیت "شورای زمین داران ترکمن صحرا مشخصات تعدادی از اعضای آن را با سند تاسیس شورای زمین داران

چاپ می رسانیم و خوانندگان خود را توجیه می دهیم که به مقاله "تلیفات توطئه گرانه نوده ای" علیه دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا، که در شماره ۳۹ کسار درج شده است، مراجعه کنند تا یکسار دیگر ماهیت حزب به اصطلاح طراز نوین طبقه کارگر ایران را دریابند. در جدول زیر، علاوه بر جعفر پای و محمدی که از "نوده ای" هلی فعال منطقه هستند، "کمیته مرکزی حزب" بی شک اسامی آشنای دیگری نیز در این لیست مشاهده خواهد کرد! البته ما در این لیست تنها زمین دارانی را که "روزنامه مردم" به دفاع از آن برخاسته و با عوام فریبی و تبلیغات ضد انقلابی می گویند مانع از پیروی آوردن زمین ها، زمین های که غصب کرده اند، از چنگشان شود، آورده ایم و فعلا از دیگر دوستان سرمایه دار حزب در منطقه حرفی نمی زنیم، ما به "نوده ای" هائی که حرف مارا باور ندارند، توصیه می کنیم سری به گنبد زده و مقالات "مردم" را با ملایک و اقیانوس موجود در ترکمن صحرا ارزیابی نمایند.

جعفر پای	۲۰۰۰ هکتار	سازگار	۱۵۰۰ هکتار
عبیدی محمدی	۴۰۰	جبار خوند نژاد	۳۵۰۰
خندان	۲۵۰۰	آخوندزاده	۲۰۰۰
پیکشی شروه	۴۰۰	نظرنژاد	۱۵۰۰
بیکتارده محمد	۲۰۰	سپاسی	۱۵۰۰
درسدوشمگیر	۲۰۰	حاجی قاسمی	۱۵۰۰
ولی الله پارسا	۳۰۰۰	مهندس دارابی	۵۰۰
یوسف قره چه	۵۰۰	محمدی	۲۵۰۰ هکتار
رضائی	۷۰۰	شیر محمدی	۱۷۰۰
نجم الدین	۱۵۰۰	محمد شیر	
سرهنگ قادری	۴۰۰	حبیب ایشان	۶۰۰
مجید مفیدی	۵۰۰		

در راهپیمائی شنبه ۸ دی ماه که علیه توطئه سرمایه داران لیبرال و در حمایت از ادامه افشاکاری ها برگزار شد، مردم فریاد می زدند:

افشای آمریکائی باید ادامه یابد

به دنبال دعوت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، به منظور گسترش مبارزه ضد امپریالیستی نوده ها و نیز پشتیبانی از ادامه افشاکاری های "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام"، دهها هزار نفر از هواداران و اعضای سازمان و دیگر نیروهای انقلابی و مبارز، در نظاره های راهپیمائی روز شنبه ۸ دی ماه شرکت کردند. حرکت تظاهرات کنندگان در ساعت ۳/۵ از دانشگاه تهران آغاز شد. راهپیمایان با صفوف منظم و به هم فشرده مسیر خیابان انقلاب را طی کرده و هر چه جلوتر می رفت بر تعداد و تراکم آن افزوده می شد. در این تظاهرات بزرگ ضد امپریالیستی، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با اسلحه های سرمایه داران لیبرال و نیروهای سازشکار و نیز حمایت حویش از ادامه افشاکاری های "دانشجویان پیرو خط امام"، علاقه گام بزرگی در جهت تعمیق مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلفی میهنان برداشت و نشان داد که هنگام و پیشانی نسل سوده های میهنان در این مبارزه حرکت می کند. راهپیمایان در مسرت حرکت خوبی با شعارهای:

"مردم آمریکا"، "افشای آمریکائی باید ادامه یابد"، "مردم آمریکا"، "افشای آمریکائی باید ادامه یابد"، "مردم آمریکا"، "افشای آمریکائی باید ادامه یابد"، "مردم آمریکا"، "افشای آمریکائی باید ادامه یابد" و...

شده و عملا این حرکت ضد امپریالیستی را تشدید می کردند. این راهپیمائی نیز مانند دیگر راهپیمائی ها و تظاهرات سازمان و نیروهای مترقی مورد تهاجم عناصر اوباش و مرتجعین قشری قرار گرفت ولی آنها این بار با خشونت بیشتری به مردم حمله می کردند و این عمل آنان دقیقا نشان داد که این گروه ها چه روابطی با محافل و جریان های لیبرال و ارتجاعی دارند و چگونه از آنها دستور می گیرند. ولی با تمام فشاری که این گروه ها وارد می کردند، تظاهر کنندگان در صفی به هم فشرده و روحیه ای انقلابی، با متانت و شکستناستی به راهپیمائی ادامه می دادند و با "مردم آمریکا" ماهیت این گروه ها را افشا کردند. راهپیمایان در این تظاهرات با عزمی راسخ، نمایشی از یک مبارزه سخت طبقاتی را نشان دادند و با توفندگی خویش همچون رودی حروشان تمامی موانعی را که عوامل سرمایه داری و عناصر نا آگاه در مسیرشان به وجود آورده بودند، به کناری زده و به حرکت خود ادامه دادند و ساعت ۷ به خیابان طالقانی نزدیک مرکز جاسوسی آمریکا رسیدند. سپس قطعا همه راهپیمائی خواننده شد و سپس از آن راهپیمایان در گروه های چند صد نفره با شعارهای ضد آمریکائی بازگشتند.

تیمسار ارتش شاهنشاهی، دریادار مدنی کاندیدای ریاست جمهوری است

تیمسار مدنی، پیش از قبام شکوه مند سپه ماه برای سه شکت کشتادن جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های قهرمان ایران با امپریالیسم امریکائی همکاری نزدیک داشت. تیمسار ارتش شاهنشاهی، مرتباً در خانه "درخشش" - که مرکز جاسوسی امریکاداران ارتباط مستقیم و دائم داشت - با دوستان خود به چاره خوئی می نشست و علیه مبارزات خلق مادیسه می جید. تیمسار مدنی سیریل بسیاری اردوستان امپریالیسم امریکا، یکی از مبره های فعال کابینه بارزگان بود. او سخت وزارت دفاع و سپس فرماندهی نیروی دریائی و استانداری خوزستان را به عهده گرفت. کارنامه تیمسار ارتش شاهنشاهی پس از قبام شکوه مند خلق های ایران با لامال ارحمانت به آرم آن خلق های به محاسنه ایران است. استاندار خوزستان در دینمی با کارگران و زحمتکشان خوزستان، اسبداران آریابهری را روغند کرده است. او سرکوب خلق عسرت

خوزستان را از مهم ترین افتخارات زندگی خود می داند. تیمسار مدنی، نام مغفوری در نزد کارگران و زحمتکشان خوزستان است. او از امپریالیسم و طبقه سرمایه داران ایران دفاع می کند، برای نمونه زمانی که شورای اسلامی کارگران سدکو، سد ایران، سه معادله انقلابی سرمایه های امریکائی پرداخت، تیمسار مدنی شورای اسلامی کارگران را محصل کرد و کارگران مبارز را بازداشت نمود. تیمسار مدنی در حواص کارگران همیشه این جمله معروف شاه را تکرار می کند: "ما از موضع قدرت سخن می گوئیم و هر عمل خلافی را سرکوب خواهیم کرد." (روزنامه های یکشنبه ۸ مهر) حنا تیمسار با کمک محافل و دوستان داخل و خارج ارمدها بش فعالیت های انتخاباتی را سازمان داد و نسکه سلمتی که بخشی از نسکه جاسوسی امپریالیسم امریکائی و طبقه سرمایه داران است، اس وطبع، را بر عهده گرفت که سلمت مربوط می شوند.

سازمان زراعتی سازگار

آدرس: سرطانه سرسبز
کوهپایه ۸، خانه کارگران به طار آنها در حدود یکصد و پنجاه متر بعد از چهارماد به بند کونیا
سترات ۲، پله آبی رندی

تلفن: ۳۷۷

آدرس: تهران، خندان

صلح دمکراتیک در کردستان باید به نفع زحمتکشان ایران برقرار شود

قطعنامه راهپیمائی ضد امپریالیستی ۸ دی ماه به منظور درهم شکستن توطئه سرمایه داران لیبرال و حمایت از ادامه افشاگری های "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام"

مردم مبارز ایران!

اکنون که میلیون ها کارگر و زحمتکش میهن ما در هزاران واحد تولیدی مبارزه خود را علیه غارتگری و استثمار سرمایه داران شدت بخشیده اند و با تشکیل شوراها و سندیکاها و با اتحاد و مبارزه خود در تلاشند دست سرمایه داران وابسته را از بسیاری کارخانه ها کوتاه سازند، اکنون که مبارزه طبقه کارگر علیه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به آن هر روز دامنه وسیع تری به خود می گیرد، اکنون که میلیون ها کفایت محروم و ستمدیده در هزاران روستای ایران، مصمانه برای بازپس گرفتن زمین، از ملاکین و زمین داران بزرگ، به پا خاسته و طبقه سرمایه دار و زمین داران بزرگ را به وحشت افکنده اند، اکنون که سربازان و درجه داران و افسران جز و همافران مبارزه خود را علیه فرماندهان آریامبری ارتش گسترش می دهند و با تشکیل شوراهای واقعی خود، توطئه های امپریالیستی آنان را علیه توده نظامیان و پرسنل انقلابی و علیه مردم قهرمان ایران درهم می شکنند، اکنون که مبارزه کسبه و پیشه وران، معلمین و کارمندان، دانشجویان و طلاب و محصلین علیه طبقه سرمایه داری ایران، این پایگاه امپریالیسم آمریکا هر روز عمق بیشتری به خود می گیرد،

صغوف دشمنان خلق های میهن ما، پیوسته آشکارتر و مشخص تر می شود. ما افشاگری های نیروهای انقلابی و صدامبرالیست را جزئی از مبارزات عادلانه خلقمان می دانیم و اعلام می داریم:

۴- هر تکرار و هر نیروی که خطر سرمایه داران لیبرال را دست کم بگیرد و یا بخواهد از لیبرال ها برای تخفیف گرایش های ارتجاعی حاکمیت بهره برداری کند و یا در این نبرد به نظاره بایستد، مشخصا در راه تقویت سلطه سرمایه داری، وابسته، کام برداشته است. در عین حال اعلام



اکنون که افشاگری های ۹ ماهه نیروهای انقلابی و پیشرو و انتشار اسناد مرکز جاسوسی آمریکا توسط "دانشجویان پیرو خط امام"، مشت دوستان ربائی و دروغین مردم و میوه چینه ان انقلاب را باز کرده و پشت آنان راه لزرزه در آورده است.

احزاب و محافل وابسته به سرمایه داران لیبرال به تکیه افتادند تا از طریق فریب خلق و تحت حمایت اکثریت حاکم در شورای انقلاب و دیگر دوستان "صاحب مقام" خود، چند صباحی دیگر به غارتگری و جهاولگری ادامه دهند.

این احزاب و محافل که عمدتاً بانام "بازرگان" یا "حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان" جبهه ملی، "نهضت رادیکال" و "شرکاء" شناخته می شوند، به مثابه سخنگویان طبقه سرمایه دار ایران با مبارزه توده ها برای قطع سلطه امپریالیسم آمریکا به اعتراض و مخالفت برخاسته و تا آنجا که توانستند علیه جنبش ها و نیروهای انقلابی در ایران و در منطقه به توطئه چینی دست زدند.

این احزاب و محافل در ۹ ماه گذشته همواره از ساواکی ها از جاسوسان، از وابستگان به رژیم سابق دفاع کرده و با اهدام جنایتکاران، با تشکیل شوراها و با اقداماتی که به سود جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های قهرمان ایران بوده است، مخالفت و مقابله کردند. اینان از احساسات و اعتقادات پاک مذهبی مردم ما بهره برداری کرده و با هزاران حيله و فریب در صددند سیاست های ضد مردمی خود را به پیش برند.

سازمان ما اعلام می دارد که امپریالیسم آمریکا و سرمایه داران لیبرال دست در دست هم جنگ همه جانبه خود را علیه مردم ما شدت بخشیده اند. در این نبرد سهمگین دوستان امپریالیسم آمریکا یکی پس از دیگری ناچار می شوند برای حفظ منافع خود در برابر اراده و خواست توده ها قرار گیرند و پرده های تزویر را از چهره خویش بردارند.

جاسوسی امیرانتظام آشکار می شود، بازرگان، بسزدی، قطب زاده، بهشتی، رفسنجانی و امثال آنها به دفاع از او بر می خیزند و صف آرائی امپریالیسم و طبقه سرمایه دار و همه حامیان آنان از یک سو و طبقه کارگر، دهقانان، کسبه و پیشه وران، کارمندان و دانشجویان، طلاب و روحانیست صدامبرالیست و دیگر نیروهای خلق از سوی دیگر مشخص تر از همیشه شکل می گیرد. صغوف دوستان واقعی خلق و

۱- افشاگری هایی که در طی ۹ ماه پس از قیام خلق های قهرمان ایران، از جانب نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست صورت گرفته، در خدمت منافع خلق های قیام کننده میهن ما بوده و در شمار خواست های حق طلبانه مردم ماست. ما هم صدا با مردم مبارز ایران، با تکیه بر اهمیت افشاگری های سیاسی که از جانب نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست صورت می گیرد، خواهان ادامه افشاگری های "دانشجویان پیرو خط امام" هستیم.

۲- ما هرگونه سکوت و معاشات را در برابر توطئه و تهاجمات اخیر سرمایه داران لیبرال و هرگونه سازش با آنها و با عدم پشتیبانی از ادامه افشای دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا از جانب هر گروه و هر مقامی که باشد خدمت با امپریالیسم آمریکا می دانیم. ما اعلام می داریم که فقط کسانی در راه اهداف خلق ما گام بر می دارند که علیه توطئه ها و تهاجمات سرمایه داری لیبرال، این پایگاه امپریالیسم آمریکا به مقابله برخیزند و مشخصا امروز از ادامه افشاگری ها حمایت کنند.

۳- ما حوادث پس از تسخیر مرکز جاسوسی آمریکا را از اقدامات "حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان" گرفته تا تهاجم اخیر "بازرگان" و "شرکاء" علیه افشاگری ها، تماس های "بختیار" با فئودال ها و خوانین مرتجع ایران در عمان، توطئه های محافل لیبرالی درون ارتش، تسلیم فئودال ها و عناصر مرتجع و اوباش به منظور سرکوب دهقانان زحمتکش میهن ما که مشخصا در مناطقی مثل ترکمن صحرا، کردستان فارس و سیستان و بلوچستان صورت می گیرد و نیز کوشش هایی که برای ادامه سیاست سرکوب خلق ها به کار می رود و عملاً در راه استقرار صلح عادلانه در کردستان مانع ایجاد می کند، همه را سلسله تهاجمات و تلاش های به هم پیوسته، حساب شده و گسترده ای می دانیم که امپریالیسم آمریکا به هدستی سرمایه داران لیبرال و سایر عوامل خود برای به شکست کشاندن مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ما سازمان داده است.

می داریم آن سیاستی که می کوشد برگرایش های ارتجاعی حاکمیت پرده ساز افکند، نیز آّب به آسباب سرمایه داران لیبرال می ریزد و به نوبه خود به سرمایه داری وابسته باری می رساند.

۵- ما موضع "شورای انقلاب" را در قبال این افشاگری ها و گماشتن "قطب زاده" را برای کنترل افشاگری های دانشجویان مستقر در مرکز جاسوسی آمریکا، نشان آن می دانیم که "شورای انقلاب" تلاش دارد به هر قیمتی شده از ادامه افشاگری ها جلوگیری کند.

۶- ما تاکید می کنیم که تنها مبارزه فعال و گسترده طبقه تا به آخر انقلابی یعنی طبقه کارگر و اتحاد دهقانان و سایر اقشار خلق با طبقه کارگراست که می تواند نبرد عادلانه خلق ما را علیه امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته به آن به پیش راند و به پیروزی رساند. عزم را سخ داریم که پیشاپیش طبقه کارگر قهرمان ایران و سایر زحمتکشان قاطعانه به این نبرد عادلانه ادامه دهیم و مقاومت امپریالیسم آمریکا و طبقه سرمایه دار وابسته به آن را درهم شکنیم.

۷- ما دیگر اعلام می داریم که برای پیشبرد این مبارزه اتحاد همه اقشار خلق با طبقه کارگر و اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیست با انقلابیون کمونیست ضرورت اساسی دارد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
۸ دی ماه ۵۸

ناپودباد جبهه سرمایه داران لیبرال
گسترده باد همکاری و همگامی همه آنان که در راه ساختن
ایرانی آزاد و دمکراتیک گام بر می دارند
مرگ بر امپریالیسم جهانی
به سرکردگی امپریالیسم آمریکا
پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک
خلق های ایران

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و وابستگانش

دهقانان زحمتکش جلگون:

(شوشتر)

زمیندار نابود است، دهقان پیروز است

جلگون (حنت مکان) یکی از روستاهای اطراف شوشتر است که با جمعیتی قریب ۵۰۰ نفر در منطقه دیمچه قرار دارد. دوسوم اراضی و بهویژه اراضی مرغوب این منطقه در اختیار زمینداران بزرگ قرار دارد.

شرکت کشت و صنعت گارون به همراهی زمینداران بزرگ منطقه بخش وسیعی از اراضی دهقانان را با اشکال مختلف از جمله به صورت سرنیزه به تصرف و مالکیت خود درآورده بود و با سلب مالکیت از دهقانان فقیر، نزدیک به ۲۵۰ تن از آنان را در ازای مزد ناچیزی به خدمت گرفته بود.

زمینداران منطقه از متنفذین قدیمی و وابستگان رژیم منفسور پهلوی هستند. علاوه بر سه مداران

شرکت کشت و صنعت کارون، امیر حسین خان با ۱۲۰۰۰ هکتار زمین در "شعبه" و علیمردان خان با حدود ۷۰۰۰ هکتار زمین، نام های منفوری برای زحمتکشان منطقه به حساب می آید که به بهیمنی بهره کشی از کارگران و خانه خرابی و کسب سود دهقانان، سفره خود را رنگین ساخته اند.

دهقانان جلگون و کارگران مبارز کشت و صنعت کارون دست در دست

هم به مبارزات گسترده ای علیه بهره کشی و استثمار زمینداران و خان ها دست زدند. تا زمین هائی را که با زور از آنها گرفته شده بود از زمینداران و خان های فئودال باز پس بگیرند.

کارگران و دهقانان در طول مبارزات پس از قیام خود نیز شاهد حمایت تیمسار مدنی استاندار خوزستان و فرماندار شوشتر از زمینداران و خان های فئودال منطقه بوده اند که علیرغم آن با اتحاد و همبستگی کارگران و دهقانان، تهاجم زمینداران و خان های فئودال همیشه در هم شکسته شده است. از جمله در تاریخ ۲۰ آذر ۵۸، تهاجم ۸ نفر از عمال امیر حسین خان و علیمردان خان را که به منظور تصرف و کشت زمین های آنان صورت گرفته بود، درهم شکستند.

پس از تهاجم ۲۰ آذر نیز دهقانان زحمتکش در مقابل حمله مسلحانه امیر حسین خان و عمال او به مقاومت برخاستند و امیر حسین خان و علیمردان خان و بیژن بختیار (خواهرزاده آنها) را دستگیر و تحویل کمیته دزفول دادند.

دهقانان با شعار:

"زمین دار نابود است، دهقان پیروز است" با خان ها و عمال آنان به معاربه برخاستند و آسپاراد سکیر کردند.

پیام کارگران به دهقانان

پس از مقاومت مهربانانه دهقانان جلگون و دستگیری زمینداران و خان ها توسط کارگران کشت و صنعت کارون طی پیامی که برای دهقانان فرستادند گفتند:

"روستائیان مبارز، شما با جلوگیری از کشت زمین ها توسط فئودال ها و ایادی وابسته شان با اینکه باند های مسلحی را با خود همراه داشتند، و می دانستید که کمیته شوشتر فرمانداری شوشتر بطور مشخص حامی آنهاست، نشان دادید که زمان آن رسیده است که دیگر سرسپردگان امپریالیسم با پیدایش زحمتکشان تا بیرون رانده شوند، شما نشان دادید که ضرورت اتحاد و همبستگی را درک کرده اید."

کارگران در پایان از دهقانان خواستند که با تشکیل شوراهای واقعی، از دستاوردهای مبارزات خود پاسداری کنند و اتحاد و همبستگی خود را تقویت نمایند.

رابطه آموزش و ...

بقیه از صفحه ۸

و بطور کلی تمام جوانان کسبه می خواهند به مرحله کومنیسم انتقال یابند. باید کومنیسم را بیاموزند. ولی پاسخ حاکی از آنست که کومنیسم، پاسخی بسیار کلی است. لیکن ما برای آموختن کومنیسم چه چیزی لازم داریم؟ چه چیزی را باید از مجموعه معلومات کلی برگزینیم تا معلومات کومنیسم کس کس؟ اینها مخاطرات چندی را برانتهاد بدمی کند که غالباً به محض آنکه وظیفه آموختن کومنیسم به شوه نادرستی مطرح می گردد، با هنگامی که این وظیفه بسیار یک جابه درک می شود، مخاطرات مذکور هم روزی می کشد. طبیعی است که در نظر اول این فکر به معنی آمدن که معای آموختن کومنیسم عبارت است از فراگرفتن آن مجموعه معلوماتی که در درسی نامه ها و رسانه ها و آثار کومنیستی بیان گردیده است. ولی اگر در مورد آموختن کومنیسم چنین تعریفی شود، بیش از حد سطحی و ناگافی خواهد بود. اگر آموختن کومنیسم فقط منحصر به فراگرفتن آنچه که در آثار و کتاب ها و رساله های کومنیستی بیان شده است، آن وقت خیلی به سهولت می توانستیم ملائطتی ها با لاف زبان کومنیست به دست آوریم. ولی این امر در غالب موارد زیان و خسارت به ما وارد می کرد. زیرا این افراد پس از آموختن و از بر کردن مندرجات کتب و رسالات کومنیستی نمی توانستند همه این معلومات را با هم مربوط سازند و نمی توانستند آن طور عمل نمایند که واقفان کومنیسم خواستار آن است. یکی از بزرگترین بلاها و بدبختی هائی که از جامعه کهنه سرمایه داری برای

ما، شورای انقلاب و تحولات ...

بقیه از صفحه ۱

ما، ناچیزماندن حداکاهی سیاسی و طبقاتی توده دهقانان و یکی از عوامل عمده تشکیل و مندم آگاهی توده های افغان ریاست های نادرست "حزب پرچم" و دیگر احزاب مترقی افغانستان می دانیم. ما آن سیاستی را که به جای آنکه به توده ها به جای کوشش و فداکاری در جهت تشکیل و آگاهی توده ها، تسلیح و بسیج آنها، برای درهم شکستن جبهه ضدانقلاب به تسخیر ماشین نظامی دولتی می اندیشد، سیاست طبقه کارگر نمی شناسیم. اعتقاد داریم که احزاب ترقی خواه افغانستان باید به انقلاب توده های بیدار و تنهائی لایزال تاریخ را در توده های میلیونی محروم افغانستان جستجو کنند. ما در این حال سیاست کنونی دولت ایران را نسبت به افغانستان سیاستی در جهت مخالف منافع مردم ما و محروم افغانستان می شناسیم. دولت ایران در مبارزات طبقاتی که اکنون در سرزمین افغانستان در جریان است بطور آشکار جانب فئودال ها و سران مرتجع عشار را گرفته است. شورای انقلاب و وزیر خارجه حوادث اخیر افغانستان را فرصتی مناسب یافتند تا با استفاده از رادیو تلویزیون و مطبوعات توجه مردم را از جنایت ها و دسیسه های امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته به آن منحرف سازند. آنها می گویند انرژی انقلابی توده ها را متوجه نیروهای انقلابی و ترقی خواه ایران و جهان سازند. ما این سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران را محکوم می کنیم و آن را مخالف منافع خلق های زحمتکش، ستم کشیده و محروم ایران و افغانستان میدانیم. چنین سیاستی مستقیم و غیر مستقیم در خدمت فئودال ها و سران مرتجع عشار قرار گرفته و از جانب دولت های آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، استرالیا، ژاپن، چین و اسرائیل و دیگر دولت های ارتجاعی تأیید و حمایت شده است. سازمان ما که در راه آرمان های طبقه کارگر و زحمتکشان ایران گام برمی دارد، از آرمان زحمتکشان افغانستان خود را جدا نمی داند. طبقه کارگر و زحمتکشان ایران، برای مردم افغانستان سرزمینی مستقل، آزاد و دموکراتیک را آرزو می کند.

ما و انتخابات ریاست ...

بقیه از صفحه ۱

توجه به آنچه گفته شد ما در انتخابات آتی، با از یک کاندید ا در برابر دیگران پشتیبانی می کنیم با کلا در انتخابات شرکت نخواهیم کرد. در صورت شرکت در انتخابات، بر مبنای مواضع طبقاتی، سابق مبارزاتی و برنامه ای که هر کاندید ا ارائه می دهد، اتخاذ تصمیم خواهیم کرد. در هر حال سازمان ما، احزاب و محافل سرمایه داران لیبرال را راهگشای تحکیم محدود سلطه امپریالیسم می شناسد. زیرا این جریان ها در حال حاضر خطر عمده برای جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران محسوب می شوند. ما در جریان انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران خواهیم کوشید تا جبهه کاندیداهای وابسته به این احزاب و محافل در پیشگاه خلق های قهرمان، میهن فاش و افشاء شود، تا چنین نامزد هائی فرصت نیابند از طریق فریب خلق و وعده های آزادی دروغین آراء آنان را به سود خود به صندوق ها بریزند. از سوی دیگر کاندیداهائی که برای ادامه مبارزه با امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به محوی که در برگیرنده حقوق و منافع کارگران و زحمتکشان میهن باشد، برنامه ای مشخص ارائه ندهند، نامزد هائی که به ضرورت تأمین و حفظ

گسسته باد همه وابستگی های اقتصادی، سیاسی، نظامی و



بقیه از صفحه ۱

صف بندی طبقات ابعاد مشخص تری ...

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - دمکراتیک بوده هارا همچنان در احتیاج دارد با شد و با صحنه تری که از دست ندهد ، قطب زاده سانسورچی معروف جمهوری اسلامی را با مورکردگیه سانسور و کنترل افشاکاری های دانشجویمان مسلمان پیرو خط امام را بر عهده گیرد و سرانجام روزیکسسه ۹ آذرماه اطلاعاتی از طرف شورای انقلاب صادر شد که طوسی آن پس از مقداماتی منی بر ضرورت افشاکاری ها اعلام می داشت :

افشاکاری ها حجابداری کردند راهپیمایی سازمان ما ، در این رابطه از اهمیت سیاسی فراوانی برخوردار بود . آیت الله خمینی سیاست محتاطانه ای در پیش گرفت و در سخنرانی ای که در اواخر هفته گذشته گذشته برای پرسنل شهرتانی که به پدارا و آمده بودند ایراد کرد

« شورای انقلاب » در عمل با تمام امکانات کوشش دارد تا تأثیر و دامنه تودهای افشاکاری های کنونی را محدود کند و بخصوص از عمق طبقاتی آن بکاهد .

بیکار دیگر تاکید کرد که در جمهوری اسلامی تفاوت ها و تمایزات طبقاتی "مغول" ، "محترم" و "مقدس" شمرده می شود و به ویژه با اشاراتی که به نیروهای منرفی مذهبی داشت آنها را مورد استناد شدید قرار داد .

تحلیل اسناد باید با رعایت همه جنبه های اسلامی و در پی صدور رای دادگاه صالح صورت گیرد . روشن است که مقدمات اطلاعاتی شورای انقلاب ، تنها بر فاشیاریلات توده های میلیونی میسر بر آدامه مبارزه صدامیرتالیستی نوشته شده است . زیرا حکم شورای انقلاب آشکارا بر کنترل و محدودیت افشاکاری ها دلالت دارد .

بازرگان دعوت به سازش می کنند

با این همه " حوزه علمیه قم که نزدیکی آن با آیت الله خمینی قابل تأکید است به نحو روشن و مصممی از ادامه افشاکاری های اطلاعیه های بعدی ضمن هشدارهایی برای دقت عمل بیشتر ، مواضع قاطع تری را در حمایت از ادامه افشاکاری ها اعلام داشت .

« آیت الله خمینی سیاست محتاطانه ای را در پیش گرفت و در سخنرانی که در اواخر هفته گذشته برای پرسنل شهرتانی که به پدارا آمده بودند ، ایراد کرد ، بیکار دیگر تاکید کرد که در جمهوری اسلامی ، تفاوت ها و تمایزات طبقاتی "مغول" ، "محترم" و "مقدس" شمرده می شود .

حجت الاسلام خوشبینی ، که تا قبل از آمدن قطب زاده نقش درجه اول را در افشاکاری های مرکز جاسوسی ایفا نموده است طی مصاحبه ای گفت : " این همفاسنادی که در مرکز اسناد ساواک ایران وجود داشت کدام یک برای ملت ایران افشاشد از سوی دیگر آنها افشای جریانات انحرافی سیاسی مبارزاتی در دادگاه انقلاب رسیدگی می شود " خوشبینی " مشخصاً سیاست بازرگان سخن گفت و افزود در سیاست گام به گام از امریکا " ستوالی " بود " و به این ترتیب او یک بار دیگر برای واقعیت تاکید کرد که بورژوازی لیبرال ، با امیرالایسم امریکایی پیوند دارد . او موکداً بر این نکته تاکید کرد که " مسئله جاسوسی یک فرد نیست اگر جاسوسی فرد نبود چندان فاجعه در دنیا نبود . فاجعه این است که یک جریانی انحرافی که می رفته است همه چیز انقلاب را فضا کند و چه سادگی این جریانی انحرافی عناصر صافی راهم

هراس شورای انقلاب از مبارزه توده ها

" شورای انقلاب " در عمل با تمام امکانات کوشش دارد تا تأثیر دامنه تودهای افشاکاری های کنونی را محدود کند و بخصوص از عمق طبقاتی آن بکاهد و مبارزه طبقاتی را که هر روز عریان تر و پدیدارتر می شود و بورژوازی لیبرال را مزوی تر و مطرود تری سازد متوقف سازد .

اتحاد چنین سیاستی از جانب شورای انقلاب قابل پیش بینی بود مواضع عناصر سرشناس سوسیالیست شورای انقلاب قبل از اعلام سیاست رسمی آن راه را برای چنین پیش بینی هموار کرده بود . به علاوه هرگاه ترکیب طبقاتی شورای انقلاب را مورد بررسی قرار دهیم می بینیم که این پیش بینی بسیار آسان تر از آنچه تصور می رفت امکان پذیر بود .

آیت الله بهشتی و حجت الاسلام رفسنجانی ، وزیر کشور ، که هر دو از اعضای صاحب نفوذ شورا هستند بطور آشکاری از " انتظام " جاسوس امیرالایسم امریکایی دفاع کرده و بار صافتی خود را از افشاکاری ها اعلام داشتند .

نیروهای انقلابی و صدامیرتالیست با آشکار شدن حسی نشانه های کنترل سرعها واکنش نشان دادند . این نیروها به احاطه محلف برای خنثی کردن نوطه های لیبرال ها از ادامه

به درون خود جذب کرده مانند مطرح است . بازرگان به ما بیدگی اردوستان خود در مقابل سخنرانی خوشبینی عکس العمل نشان داد و گفت : " آنها امریکا و دشمنان داخلی از سیاست به قول جناب عالی گام به گام بیشتر شاد می شدند با از این که سازندگان و دست اندرکاران انقلاب اسلامی ایران در حساس ترین روزها به جان یکدیگر بیفتند ؟ "

مبارزه طبقاتی بیسیان خرده بورژوازی بورژوازی لیبرال که بر سر تحکیم قدرت سیاسی جریانی دارد ، در پاسخ کوتاه بازرگان دقیقاً انعکاس یافته است . بازرگان عضو شورای انقلاب است خوشبینی طلب می کند که به سیاست سازش با او بیارانش نین در دهد و سیاست " هم سخنه های " خود را

که بر مسند شورای انقلاب بکوه زده اند ، بپذیرد . به این ترتیب همه شواهد حاکی از تشدید مبارزه خرده بورژوازی و بورژوازی لیبرال است . این مبارزه طبقاتی که در حقیقت اگر خواسته باشیم در ابعاد گسترده تری از آن سخن گوئیم ، مبارزه ای است که در چهارچوب تضاد تاریخی - طبقاتی خلقی با امیرالایسم صورت می گیرد . در مبارزه بین طبقات جامعه منجلی می شود و در شرایط مشخص کنونی جامعه ما ، جهت عمده آن مبارزه بین طبقه کارگر ، دهقانان و دیگر بخش های خرده بورژوازی از یکسو و بورژوازی وابسته که در شرایط فعلی توسط بورژوازی لیبرال رهبری می شود ، از سوی دیگر است .

این يك مبارزه طبقاتی تمام عیار است

اگر نخواهیم خود را اسیر ملاحظاتی هائی ساریم که از مارکسیسم تنها این را موخته اند که به ما ایراد بگیرند چرا این بیان آن کلمه را آورده ایم بدون آن که به مضمون واقعی آنچه که ما در اعلامیه ها و مقالات خود از آن سخن می گوئیم توجه کنند و انگای ما را نسبت به واقعیت رنده ای که هر روز و هر ساعت و حتی هر لحظه در جامعه در حال تحول ما می گذرد انگشت گذارند آن وقت می توانیم با صراحت تمام بنویسیم ، آنچه در پیش روی ما جریان دارد یک مبارزه طبقاتی تمام عیار است . در این مبارزه طبقاتی تمام عیار ، طبقات سیاسی واقعی خود

را به ما نمی گذارد و هرگاه کسی ناسند که " کوشی برای شدن ، جسمی برای دیدن و قلبی برای طیبیدن داشته باشد می تواند این مبارزه طبقاتی بطور عینی در حال گسترش را تمرین دهد و تمام سی نحولات و رویدادهای سیاسی جامعه ایران را با این معیار مورد تفسیر و ارزیابی عینی قرار داده و تاکیک های مناسب را اتخاذ کند .

حسنین و ابتدائی ترین و طبیعتاً کمونیست ها این است که بر این مبارزه طبقاتی نکیه کنند . مبارزه طبقاتی که تمام سلول های جامعه را در بر گرفته است در کارخانه می خورند ، در روستا می خورند ، در بازار می خورند ، در کوچه خیابان ، مدرسه و دانشگاه و روی دیوارهای شهر و ده و حتی در انبوس ها و تاکسی ها ، در هر

کجا که اثری از طبقات هست می توان تجلی آشکار و بازر آن را دید و لمس کرد . امروز و هر روز که می گذرد ، تنها تظاهرات کسانی که هر پدیده سیاسی را حدا از مضمون عینی و طبقاتی آن - البته نه در حرف بلکه در کردار - مورد ارزیابی و تفسیر قرار می دهند ، و با یافته های مجرد ذهن خود در می آمیزند ، در مقابل چشمان ما رنگ می سازد و بی حان تر می شود .

کم کم بسیاری متوجه می شوند که باید سبیل خروشان " مبارزه طبقاتی را باور کنند . سبلی که بورژوازی لیبرال را باورده ، خود را در آن می بیند و کمونیست ها بر سر همین سبیل ساختن تاریخ را باور دارند .

اشتباه خواهد بود اگر تصور کنیم تنها بورژوازی لیبرال است که از این " سبیل " هراسناک است . همه آتشی که در کنار این سبیل خروشان به نظر ما استاده اند ، با همه ادا اطوارهای کمونیستی شان در این هراس به سر می برند . نکته ای که در وهله اول برواض می نماید ، اتفاقاً آغاز پیچیدگی هائی است که در چشم اندازها خود نمایی می کنند زیرا تمام هنر رهبری سیاسی از اینجا بر می خیزد که ما اولاً قادر باشیم مناسبات بین طبقات را همانطور که در واقعیت وجود دارد درک کنیم تا نیا مواضع خود را در برابر این واقعیت به نحوی تنظیم کنیم که به تغییر انقلابی واقعیت منجر گردد .

آنان که سیاست خرده بورژوازی را سرسراز نجاجی می دانند و به مبارزات صدامیرتالیستی

خرده بورژوازی که اینک در پی کار خرده بورژوازی علیه بورژوازی لیبرال برای تحکیم مواضع قدرت سیاسی تجلی می یابد ، باور دارند ، صرف نظر از ذمهات و ادعاهایشان عملاً در آغوش بورژوازی لیبرال در می غلطند و کسانی که تلاش می کنند طبقه کارگر را به دنباله روی خرده بورژوازی وادارند و از شکل واقعی طبقه کارگر جلوگیری کنند ، آنها هم در خدمت بورژوازی لیبرال فرار می گیرند و در نهایت آب به آسیاب امیرالایسم می ریزند ، چرا که در غیاب تشکیل طبقه کارگر و و در غیاب صیغ منفصل طبقه کارگر ، سراسیم خرده بورژوازی که در عصر کنونی توان تاریخی رهبری پیروزمند انقلاب دمکراتیک را ندارد به جای آن که رهبری پرولتاریا را بپذیرد به دنبال بورژوازی لیبرال خواهد

« طبقه کارگر باید در مبارزه علیه بورژوازی لیبرال قاطعانه شرکت جوید و مرتباً فرق میان سیاست پیگیر خود را با سیاست ناپیگیر خرده بورژوازی به توده ها توضیح دهد و بطور مشروط از خرده بورژوازی حمایت کند .

مت و بدین ترتیب شکست استراتژیک جنبش صدامیرتالیستی - دمکراتیک خلقی های ایران قطعی خواهد شد .

با همین ارزیابی کمونیستی است که ما ایمان داریم طبقه کارگر باید در مبارزه علیه بورژوازی لیبرال قاطعانه شرکت جوید و مرتباً فرق

« مبارزه طبقاتی بیسیان خرده بورژوازی و بورژوازی لیبرال که بر سر تحکیم قدرت سیاسی جریان دارد ، در پاسخ کوتاه بازرگان دقیقاً انعکاس یافته است .

میان سیاست پیگیر خود را با سیاست ناپیگیر خرده بورژوازی به توده ها توضیح دهد و بطور مشروط در برابر دشمن مشترک یعنی بورژوازی وابسته و امیرالایسم از خرده بورژوازی حمایت کند . تا در جریان پیشبرد مبارزات صدامیرتالیستی - دمکراتیک خلقی و در روند مبارزه آگاهی و تشکیل خود را ارتقاء دهد ، بر حیثیت و اعتبار خود در سطح جنبش پیفزاید و سرانجام رهبری خود را در جنبش تأمین نماید و پیروزی انقلاب دمکراتیک خلقی های ایران را امکان پذیر سازد .

فرهنگی با امیرالایسم جهانی بسرکردگی امیرالایسم امریکا

نفتگران مبارز حفاری و مبارزات پیگیر آنان (قسمت دوم) علیه شرکت های امپریالیستی در جنوب

در شماره پیش شرح بهره‌کشی و غارت شرکت‌های امپریالیستی و حامیان ایرانی آنان را، از کارگران میهنمان، خواندید، در این بخش شرحی کوتاه از وضعیت کارگران و روابط آنان با کارفرما می‌خوانید. ادامه این گزارش در شماره آینده کار خواهد آمد.

وضعیت کارگران حفاری، شرایط عمومی و روابط آنان با کارفرما

از ۴۳ نفر کارکنان ایرانی شرکت‌های حفاری و خدمات حفاری بخش اعظم آن را کارگران حفاری تشکیل می‌دهند که از محکمترین بخش‌های طبقه کارگران ایران هستند. علاوه بر این ها تعداد زیادی کارگر ساده نیز به صورت پیمانی برای این شرکت‌ها کار می‌کنند. که کارشان عمدتاً نگهداری، حمل و نقل مواد و تجهیزات در جاهای پادوئسی مخصوص برای خارجیان بود. کارگران پیمانی عمدتاً از میان روستاییان بی زمین و فقیرترند یک محل چاه و به صورت فصلی از طریق شیخ، خان یا کدخدای محل استخدام می‌شدند و در میان آنها تعداد زیادی پیرمرد و کودک نیز دیده می‌شد. شرکت‌های امپریالیستی در اواخر استعمار آنان روزی حدود ۱۰ تومان به شیخ خان یا کدخدا که نقش پیمانکار نیروی انسانی را بازی می‌کرد می‌دادند. و این پیمانکار تنها بخشی از این مبلغ (و حداکثر ۵۰ تومان آن را در روز) به کارگران پرداخت می‌کرد. این کارگران بجز از این دریافتی از هیچ گونه حقوق و مزایای دیگر برخوردار نبودند و در حالی که در زیرگرمای ۵۰ درجه تابستان جنوب و باران و سرمای زمستان و به جان خرییدن هزاران خطر، از جمله خطر انفجار و آتش سوزی چاه، جان می‌کندند. حتی حق استفاده از آب آشامیدنی در سرچاه را نداشتند و مجبور بودند با طوسی مسافت‌های طولانی و در شرایط سخت تمام نیازهای خود را از دهکده‌های دور و نزدیک فراهم نمایند. نحوه رفتار خارجیان با این کارگران مثل رفتار با وحوش بود.

برای کارگران رسمی نیز شرایط چندان بهتر نبود. حقوق، مزایا و حداقل شرایطی که حتی در قانون کار آریامهری هم تأیید شده بود، در مورد این کارگران رعایت نمی‌شد. نحوه پرداخت کار این کارگران به این ترتیب بود که آنان دو هفته را بدون تعطیل در دو نوبت ۱۲ ساعته روزگاری کار می‌کردند. در سرچاه کار می‌کردند و یک هفته را به استراحت می‌رفتند. به این ترتیب ساعات کار رسمی آنان به ۵۶ ساعت در هفته می‌رسید. بدون این که در برابر تفاوت این ساعات کار، با ساعات کار هفتگی مقرر در قانون کار آریامهری (یعنی ۴۸ ساعت) دینساری اضافی دریافت دارند. گاهی می‌شد که کارگران به‌حالی ۱۲ ساعت کار تا ۱۸ ساعت در روز بطور بی‌وقفه

کار می‌کردند در حالی که هیچ‌گاه بیش از ۴ ساعت فوق‌العاده در روز به آنان پرداخت نمی‌شد. خستگی مفرط ناشی از چنین جان‌کدنی تعداد مرگ و میر و تصادفات و نقص عضو در اثر خستگی را افزایش می‌داد. تازه پس از این‌که کار طولانی، کارگران می‌بایست گاه پیاده مسافت محل حفاری را تا استراحت‌گاه - که حتی به چند کیلومتر هم می‌رسید - بیامیند، تا بتوانند "استراحت" کنند. یکی از کارگران می‌گفت که "ما پس از ۱۲ تا ۱۶ ساعت کار آنچنان خسته‌ایم که در حقیقت بقیه شبانه روز را استراحت نمی‌کنیم بلکه در پیوسته به سر می‌بریم. در محل حفاری هیچ‌گاه وسایل ایمنی لازم برای شرایط خطرناک عملیات حفاری وجود نداشت. خستگی مفرط ناشی از کار نبود و وسایل ایمنی و خطرناک بودن شرایط کار، آمار بیماری، تصادفات و زخمی شدن‌ها را بالا می‌برد. ولی در محل حفاری نه درمانگاه و داروئی یافت می‌شد و نه حتی وسیله‌ای برای حمل زخمی و یا بیمار به بیمارستان وجود داشت. کارگری می‌گفت: "روزی ناچار شده است به انگشت بریده پیاده خود را از سرچاه به نزدیک ترین جاده برساند تا شاید بتواند خود را در شهر محل معالجه کند. در حالی که هرگاه یک خارجی حتی سردرد هم می‌گرفت تمام وسایل و تجهیزات برایش فراهم بود. تازه پس از دو هفته کار در چنین شرایطی کارگران باید به محل زندگی خود در شهرهای دور و نزدیک می‌رفتند که اغلب در روز از یک هفته استراحت آنان صرف این کاری می‌شد. شرکت‌های امپریالیستی حفاری و خدمات حفاری در تمام طول این سال‌های غارت و بهره‌کشی هیچگونه اقدامی برای تهیه مسکن برای کارگران خود نکردند. همچنین برای پائین نگاه داشتن آگاهی کارگران نسبت به آموزش‌های عمومی و تخصصی به آنان داده نمی‌شد بلکه با استعمار و وحشتناک آنان عملاً امکان مطالعه و اطلاعات آنان را از آنها می‌گرفت. کارچاق کن‌های امپریالیسم در این شرکت‌ها برای استثمار هرچه بیشتر کارگران از شیوه‌های گوناگون سرکوب و تفرقه افکنی استفاده می‌کردند. به عنوان مثال هرگاه کارگری سه ماه را بدون تصادف یا بیماری کار می‌کرد به او کفش و لباس کار داده می‌شد و در صورت هرگونه

تسلیم ناپذیری و تشکل کارگران سرچشمه پیروزی آنهاست

کارگران بیکار پرونده‌های بندر خمینی (شاهپور سابق) که در شرکت "آسون" و "بستر" که از جمله شرکت‌های عارتگر امریکائی است، کاری کرده‌اند. در شهر بورماه گذشته شکایتی تنظیم و تسلیم اداره کار بندر کردند تا ضمن رسیدگی به جیا و لو بهره‌کشی شرکت، حقوقی را که بابت عائله مندی - مسکن - آب و دهناب و ... به کارگران تعلق می‌گرفته ولی شرکت از پرداخت آن خودداری می‌کرد و به حساب کارفرما منظور می‌داشتند، نقداً به آنان مسترد نماید. با اینکه این شکایت طی این مدت ارجاع به نمایندگان کارگران مصداقست و اعتراضاتی نسبت به تعلل اداره کار در رسیدگی به این مسئله نبر می‌شده است، با این حال جنیدی پیش کارگران مطلع می‌شوند که مسئولین اداره کار در مصداقست برآمده‌اند، پرونده را به نام کارفرمایان امریکائی فیصله دهد. قضیه از طرف نمایندگان کارگران فوراً تعقیب و صحت و سقم آنرا خواستاری شوند. اداره کار از جواب

حادثه باجماری از اس "خواسر" محروم می‌گردد. ولی دیگر کارگران آن را دریافت می‌کنند. نسخه این که اولاً خود کارگر حتی در صورت بیماری با رخصتی شدن به نشناختن راکر این شرکت و درخواست معالجه و استراحت نمی‌نمود بلکه سعی داشت این امر را از رویای خارجی و ایادی "ایرانی" شان بپوشاند. تا آنجا که دیگر کارگران چون خود او این "جایزه" را دریافت می‌کردند در صدد حمایت از همکار خود نبودند. انگار بیماری یا حادثه برای کارگر گناه ناخوشودنی‌ای بود که وی مرتکب نمی‌شد. در محل "استراحت‌گاه" نهار خوری و خوابگاه کارگران از کارمندان جدا بود. شرایط استراحت گاه و کیفیت غذایی که به کارگران داده می‌شد چنان بد بود که هرگز نمی‌توانستند به پادسرایخانه‌های رضاخان می‌انداخت. حداقل دستمزد کارگران تا همین اواخر روزی ۲۵ تومان بود. یک مکانیک بایرگ کار ایرانی بطور متوسط ماهی ۴-۶ هزار تومان حقوق می‌گرفت. در حالی که حقوق یک خارجی در همان شرایط تا ۳۱ هزار تومان در ماه می‌رسید و شرکت حفاری به حساب همان مکانیک بایرگ کار ایرانی ماهانه ۵۰۰ تا ۳۷۰ تومان از شرکت نفت دریافت می‌کرد. به این ترتیب کارگران ایرانی ناچار بودند در سخت ترین شرایط کار تن به اضافه کاری و در نتیجه خستگی مفرط، فشارهای عصبی، بیماری و بیماری زودرس و تصادفات مرگ بدهند. تازه در همین شرایط سخت کارگران امپریالیست و عمال داخلی آنان که از وجود نیروی کار ارزان و بیکاری کارگران ایرانی مطلع بودند، هر کارگر را به راحتی پس از چند سال جان کندن برای جلوگیری از آذغای او در مورد حقوق خود، به هزارو یک بهانه اخراج می‌کردند. در تمام طول سال‌های گذشته هزاران کارگر حفاری که جوانی و نیروی کار خود را به بیکاری برای امپریالیسم هدر داده بودند، بی دلیل اخراج و به ارتش ذخیره بیکاران پیوستند. بدون این که به خاطر محدودیت ناشی از ویژگی تخصص خود بتوانند کاری برای خود دست و پا کنند. بنابراین طبیعی بود که کارگران حفاری بهره‌کشی امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به آن راه را با ستهم و بدگمانی رزیم دست نشانده‌اش با تمام وجود حس کرده و سرشار از نفرت طبقاتی به این دشمنان خود باشند و با شروع جنبش صد امپریالیستی - دمکراتیک سال گذشته به پسا خاسته و فعالانه در آن شرکت کنند. به روشنی بد است که چگونه هدف طبقه کارگر ایران در مبارزه با امپریالیسم، متوجه ناسودی سرمایه داری وابسته آن و گام گذاشتن در مسیر تحفوق سوسیالیسم می‌باشد.

ادامه دارد

فرمانده از ادار مری مداره بوده و محافعت کارگران را سب به رای صادره از طرف شورای حل اختلاف به آنان ابراز دارد. و فاحش اسحا است که کسانی که خود در رای دادن علیه کارگران نقش داشته‌اند، به نمایندگان کارگران قول مساعد می‌دهند که "برای احقاق حقوقتان اقدام خواهیم کرد!"

روز شنبه مطابق قرار قبلی، سن ۵۰۰ نفر کارگر پرونده‌های ماهشهر و آبادان در اداره کار حاضر شده و هر یک به پرده‌ری ارجحه کردید اداره کار و افشای رای صادره می‌پردازند و در آخر کار همگی تصمیم می‌گیرند که برای اعتراض به رای صادره در اداره کار محصل کنند.

ساعت ۱۲/۳۰ دقیقه فرماندار به محل تجمع می‌آید و به مسطفه می‌پردازد که "برادران کارگر! باید بدانند که اداره کار برنامه‌اش چهارچوب مشخصی دارد، شهر ما هم کوچک

● کارگران پرونده‌های یکبار دیگر در پرتو همبستگی مبارزه حق طلبانه خود، به خدمتگزاران امپریالیسم که می‌پنداشتند می‌توانند حقوق مطالبه شده آنان را به نفع غارتگران امریکائی زیر پا بگذارند، درسی از اراده و تسلیم ناپذیری کارگری نشان دادند.

است و ما نمی‌توانیم از عهده چنین خواسته‌هایی برآئیم. اما کارگران پاسخ این استدلال سفیهانه فرماندار را می‌دهند. بطوری که یکی از کارگران می‌گوید: "مهم نیست ما کارگران برای گرفتن حقوقمان شهادت را انتخاب کردیم."

فرماندار که می‌پند نمی‌تواند در مقابل خشم کارگران حرفی بزند به ناچار می‌گوید: "اگر رای در شورای عالی کار بشکند، رای مجدد به نفع کارگران صادر خواهد کرد."

و قرار بر این می‌شود که نمایندگان کارگران سندیکای پرونده‌های شورای عالی کار بروند و برای ابطال رای صادره بی‌گیری کنند. کارگران پرونده‌های یکبار دیگر در پرتو همبستگی مبارزه حق طلبانه خود، به خدمتگزاران امپریالیسم که می‌پنداشتند می‌توانند حقوق مطالبه شده آنان را به نفع غارتگران امریکائی زیر پا بگذارند، درسی از اراده و تسلیم ناپذیری کارگری نشان دادند.

بدون شک مبارزه کارگران برای ابطال قوانین ضد کارگری گذشته و تهیه و تدوین قوانین جدید کار توسط نمایندگان واقعی کارگران، با اراده و همبستگی طبقه کارگر ایران امکان پذیر خواهد بود. اراده و همبستگی کارگران بیکار پرونده‌های استوار بساد

نقل به اختصار از "کار جنوب" شماره ۱۵

طفره می‌رود ولی در فبال با فشاری نمایندگان ناچار می‌شود اعلام نتیجه را به روز ۱۲ آذرماه موقوف نماید. روز موعود وقتی کارگران برای کسب نتیجه در اداره کار اجتماع می‌کنند، مواجه بسیاری اعلام شده شورای حل اختلاف می‌شوند که به سود کارفرما صادر شده است. رسواتر از هر چیز دلیل شورای حل اختلاف ورشپس اداره کار، صالحی، در توجیه این کار بوده است که استناد به قوانین دوره رژیم مزدور و سرسپرده پهلوی می‌کند و می‌گوید: "چون این مسئله مربوط به دوره طاغوت بوده، ما هم باید با قوانین دوره طاغوت رای خود را صادر کنیم"

کارگران از این عمل خشمگین شده و رای را مردود اعلام می‌کنند. فردای روز بعد کارگران مجدداً در اداره کار جمع می‌شوند و نمایندگان سندیکای کارگران پرونده‌های به منظور بیان اعتراض کارگران، درخواست ملاقات با فرماندار و رئیس اداره کسار را می‌کنند. ولی نه فرماندار و نه رئیس اداره کاریجه‌کدام در پست‌هایشان حاضر نبوده و حتی در منازلشان نیز دیده نمی‌شوند!!

نمایندگان، توطئه غیبیت مسئولین امور برای کارگران افشاء می‌کنند و قرار می‌شود که روز شنبه ۱۷ آذرماه بازم در اداره کار ماهشهر اجتماع کرده و اعتراض خود را ادامه دهند.

روز چهارشنبه ۱۴ آذر نمایندگان کارگران سندیکای پرونده‌های آبادان موفق می‌شوند با فرماندار، بخشدار و رئیس اداره کار ماهشهر (صالحی)

کار مسکن آزادی



(قسمت دوم)

بمناسبت صدمین سالگرد تولد رفیق حیدر عمو اوغلی «هرچه حیدر خان بگوید راست است» (ستارخان)

تهاجم تبریز و حیدر عمو اوغلی

سال ۱۲۸۶ (۱۹۰۷) ایران توسط دودولت روسیه، تزاری و امپریالیسم انگلیس به مناطق نفوذ تقسیم شد. انقلاب آذربایجان به مخاطره افتاده بود. روحانیون مرتجع رهبری "شیخ فضل الله نوری" درگستر آزادخواهان و انقلابیون و شکست جنبش مشروطیت، محمدعلی میرزا را تشویق می کردند. محمدعلی میرزا به کمک حامیان خود مجلس را به نوبت بست و کشتار وسیعی در تهران راه انداخت. تهران موقتاً سقوط کرد. در این هنگام تبریز به صورت کانون اصلی مبارزه علیه استبداد درآمد. جنبش انقلاب در تبریز می طپید.

رفیق حیدر عمو اوغلی، برای تدارک سازماندهی مقاومت مسلحانه مردم تبریز که به رهبری ستارخان شکل گرفته بود به باکورت و به جمع آوری پول و اسلحه پرداخت. او محاهدین و فدائیان تبریز را برای مقاومت مسلحانه خلق سازماندهی نمود و همتش را در طلب گرجی رانیزه منظور تقویت پیکار قهرمانانه مردم تبریز به آذربایجان گسیل داشت.

تبریز قهرمانانه به دفاع از دستاوردهای انقلاب برمی خیزد.

در محاصره سیزده ماهه تبریز، نقش سازماندهی حیدر عمو اوغلی و سوسال دمکرات هائی همچون "علی موسوی" مورد تأکید همه مورخین مشروطیت است. سوسال - دمکرات های انقلابی سازماندهی بسیاری از "بارکادها" را بر عهده داشتند. و مدارکاری و قهرمانی های آنان همواره سرمشق درختانی برای انقلابیون کمونیست است. حیدر عمو اوغلی در جریان محاصره تبریز، نقش فعالی در درهم شکستن پشت جبهه دشمن داشت. ابتکارات انقلابی او در این دوره در تاریخ مبارزات خلق های ایران از شهرت خاصی برخوردار است. او در سازماندهی فتح تبریز نقش برجسته ای داشت. کاردانی و قاطعیت او بدون اعراق یکی از عوامل پیروزی انقلابیون به حساب می آید. نقش رفیق حیدر عمو اوغلی در جنبش مقاومت تبریز و فتح تهران با این کلام مشهور ستارخان در باره او، به روشن تر شدن شکلی آشکار می شود. ستارخان قهرمان بزرگ بهضت مشروطیت همواره می گفت "هرچه حیدر خان بگوید همان است".

دشمنان خلق با نام "مشروطه خواه" به قدرت می خزند

پس از فتح تهران دشمنان خلق های ایران سرنگ نازه سازی کنند. آنها خود را دوستان مردم معرفی کرده با ماک مشروطه خواهی رام امور را به دست می گیرند. آنچه که پس از فتح تهران بر سر آمده های قیام کننده گندست شباهت های فراوانی به واقعیات امروز مبین ما دارد.

فتوودالها، تجار بزرگ، سرسپردگان امپریالیسم، یعنی "مستومی الممالک ها" و "الدوله ها" و "امین التجارها" به قدرت می خزند و از همان آغاز کوشش می کنند با دستگیری و خلع سلاح انقلابیون و بدنام کردن نیروهای مبارز و استفاده از احساسات مذهبی مردم راه را برای غلبه بیشتر خود هموار کنند.

حکام به قدرت رسیده ستارخان را با حیل و نیرنگ به تهران فرامی خوانند و افراد او را خلع سلاح می کنند. سید عبدالله بهبهانی به کمک بخشی از روحانیون مرتجع با استفاده از احساسات مذهبی مردم قدرت بلامنازع می یابد. حزب اعتدالیون که توسط فتوودال ها، اشراف، تجار بزرگ و حامیان امپریالیست آنان سازمان یافته بود، توسط روحانیت مرتجع حمایت می شود. و سره های انگلیسی یکی پس از دیگری بر سر کار گمارده می شوند.

حیدر عمو اوغلی و دمکرات ها برای سازماندهی مقاومت مردم حزب دمکرات را ایجاد می کنند. اساد این حزب نشاندهنده نقش فعال حیدر عمو اوغلی و سوسال - دمکرات های انقلابی آن دوره در سازماندهی و فعالیت های این حزب است. حزب دمکرات به افتخار دشمنان مردم که قیام دوستی برهن کرده بودند و عوام عربیانه خود را "انقلابی"، "مشروطه خواه"، "طرفدار مردم" می خواندند، می پردازد و نفوذ فوق العاده ای در میان مردم پیدا می کند. طی این سال ها تمامی سنگ های انقلاب توسط حاکمان به ظاهر مشروطه خواه درهم کوبیده



حیدر خان عمو اوغلی در لباس افسری ژاندارمری

می شود. انقلابیون مورد تعقیب، حبس و اعدام فرار می گیرند و بیش از همه سوسال دمکرات های انقلابی مورد آزار قرار می گیرند. انجمن های یوده های درهم شکسته می شود و حقوق و آزادی های سیاسی از آنان سلب می گردد. بورژوازی به نهضت های مقاومت یکس از دیگری سازمان داده می شود. نهضت "کلنل پیمان" در خراسان، خیابانی در تبریز در هم کوبیده می شود و برای درهم کوبیدن "نهضت جنگل" توسط فتوودال ها، سازشکاران، اشراف و امپریالیسم انگلیسی زمینه جینی می شود. زندگی حیدر عمو اوغلی در این دوران سیر سرشار از ایمان به خلقی، فدائکاری در راه آرمان های آنان و سرسختی در دشمنی با خلق های ستم دیده و زحمتکش است.

شرکت درکنگره پراگ و ملاقات با لنین

رفیق حیدر عمو اوغلی طی این سال ها، از یک سو به شرکت فعال در نهضت مقاومت بخصوص "نهضت جنگل" پرداخت و از سوی دیگر در انجام وظایف انترناسیونالیستی استواری و پیشکار درخورد ستایشی از خود نشان داد. در سال ۱۹۱۲ به کنگره پراگ رفت و در آنجا با لنین ملاقات نمود و درباره مسائل انقلاب ایران به رایزنی پرداخت. او به هنگام انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، در روسیه بود و فعالانه در انقلاب شرکت داشت.

رفیق حیدر عمو اوغلی ریاست هیات نمایندگان ایران را درکنگره شرق به عهده داشت و درکنگره خلق های خاور زمین نیز که در کاپویرگزار شد، اصول برنامه لنینی مبارزه مردم خاور را می پذیرد. او در اتخاذ برنامه درست حزب کمونیست ایران نقش برجسته ای بازی می کند. وی در این هنگام، رهبری حزب کمونیست ایران را بر عهده داشت و با مجاهدت های خود، در وحدت صفوف انقلابیون ایران، اتحاد عمل انقلابیون در نهضت جنگل و "پیروزی جمهوری سرخ گیلان" سهم درجه اول داشته است. برنامه رفیق حیدر عمو اوغلی جهت برقراری نظم سوسیالیستی استوار است که حاکی از سوغ و دید عمیق وی است. او در این تحلیل مختصری را ساخت اجتماعی - اقتصادی جامعه و برکت طغفانی آن ارائه می دهد و حسین نتیجه می گیرد:

"حما می طبقات نامرده در ایالات ۱۵ سال اسد ر حال خوش و خروشا انقلابی هستند و بدتر بدن وضع

این مقاله ادامه بزرگداشت صدمین سال تولد رفیق حیدر عمو اوغلی است که در شماره قبل کار، بخش نخست آن به چاپ رسید، در بخش پیشین بطور اختصار به شرح سال های کودکی و جوانی حیدر عمو اوغلی که همزمان با سال های تکوین انقلاب مشروطیت ایران بود، پرداختیم. در بخش دوم (قسمت آخر) این مقاله به نقش عملی رفیق حیدر عمو اوغلی در انقلاب مشروطیت و انترناسیونالیسم پرولتاری می پردازیم.

اقتصادی آنها موجب افزایش انرژی انقلابی آنها است و افکار انقلابی را ناگزیر می سازد. صنایع و کارخانه های آن که مرحله اول نهضت انقلابی باید رنگ رهایی بخش ملی داشته باشد...

رفیق حیدر به این نتیجه می رسد که وظایف حزب کمونیست ایران (عدالت) باید بر پایه اصول زیرین باشد:

۱- ایجاد عده زیادی کادر محکم حزبی که حزب بتواند به وسیله آنان رهبری مستقیم بر توده های وسیع طبقات زحمتکش را در دست بگیرد.

۲- گرد آوردن همه نیروهای انقلابی کشور در اطراف حزب زیر پرچم نهضت آزادیبخش ملی علیه امپریالیست های خارجی و مبارزه با دولت شاه که به خارجی ها فروخته شده است.

۳- تبلیغ و تهییج وسیع که چشم و گوش مردم را به نقش امپریالیسم جهانی در ظلم و تعدی نسبت به توده های خلق و همچنین چشم مردم را به سیاست انگلیس در ایران باز کند و بدین ترتیب حتی نفرت آنان را علیه اشغالگران خارجی برانگیزد.

۴- کار تبلیغاتی دامنه دار در میان دهقانان و مستمندان شهری به منظور ایجاد آگاهی طبقاتی در میان آنان.

۵- کار تشکیلاتی وسیع بین طبقات زحمتکش، ایجاد اتحادیه ها و مساعادت و گسترش نهضت سندیکایی و تعاونی و دادن محتوای انقلابی به آنها و رهبری مشی سیاسی آنها.

۶- ایجاد نیروهای مسلح انقلابی ملی برای مبارزه علیه امپریالیست های خارجی و دولت شاه.

۷- سرنگون ساختن دولت شاه و ایجاد نظام سیاسی نوینی که از لحاظ سازمانی شکل حکومت شوروی داشته باشد...

رفیق حیدر در برنامه حدافتی که ارائه می دهد در بند ۲ (قسمت اقتصادی) برای نارسائی های جامعه و ایجاد نظم نوین راه حل زیر را ارائه می دهد:

۱- ایجاد فوری راه آهن میان مراکز عمده ایران، ۲- ایجاد اعتبار برای اصلاح اراضی در تمام کشور تا دهقانان و باغداران کوچک بتوانند از اداراتی دولت وام ارزان به دست آورند.

۳- تأسیس بانک های تعاونی برای ایجاد شبکه وسیعی از تعاونی های مصرف و تولید و تامین صنعتگران و پیشه وران از حیث اعتبارات ارزان.

۴- ایجاد فوری یک رشته ساختمان های آبیاری و بهره و چاه برای سهولت رساندن آب.

۵- مساعدت از طرف دولت برای ایجاد و توسعه صنایع ملی.

۶- بهره برداری از معادن نفت.

۷- بهره برداری از بعضی فلزات و معادن اساسی با وسایل دولتی.

۸- مقامات حزبی برای دفاع از منافع توده های زحمتکش باید به تشکیل اتحادیه در هر یک از رشته های تولیدی و ایجاد اتحادیه کارگران و کارمندان دولت، اتحادیه شاگردان پیشه وران شهری، اتحادیه مستمندان روستائی مساعدت کنند و آنها را در شورای اتحادیه های ولایتی متحد سازند.

در مورد حل مسئله ارضی برنامه زیر را ارائه می دهد:

۱- ملی کردن املاک مزروعی بزرگ و ایجاد ذخیره زمین های ملی از این املاک.

۲- واگذاری املاکی که بیش از حد نصاب معینی است به مالکیت کامل دهقانان نیازمند.

۳- به دهقانی که در نتیجه عدم کفایت املاک خصوصی زمین نرسیده باشد باید از زمین های متعلق به دولت قطعه زمین لازم داده شود.

۴- تمام ایلات و عشایر کوچ نشین کشور مارانیز باید از لحاظ زمین تامین نمود.

و با این حملات برنامه حدافل راه پایان می رسد: ما با انجام این تدابیر فقط مرحله اول مبارزه در راه برانداختن کامل استعمار انسان را به پایان می رسانیم. پس از آن حزب ما مبارزه خود را با نیروی خصل ناپذیر در راه پیروزی آرمان های بزرگ سوسیالیسم که بدون آن خلق های عقب مانده قادر نیستند از سیستم جهانی آزاد گردند، ادامه خواهد داد.

پشتیبانی از هیئت نمایندگی خلق کرد و وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است

سالگرد نبرد مسلحانه خلق فلسطین گرامی باد



سالگرد آغاز نبرد مسلحانه خلق فلسطین را علیه صهیونیسم و دولت‌های امپریالیستی حامی آن، به خلق فلسطین تبریک می‌گوئیم. خلق قهرمان فلسطین در سال‌های گذشته با جانبازی و اراده آهنین خود و نثار هزاران شهید، ضرباتی سنگین بر بیکر صهیونیسم و امپریالیسم جهانی وارد آورده و خدماتی گرانبها به جنبش‌های آزادی‌بخش جهان کرده‌است. مطمئنیم که خلق قهرمان فلسطین سرانجام شکست کامل صهیونیسم و پیروزی قاطع خود را در وطن خویش جشن خواهد گرفت. خلق‌های قهرمان ایران، پیروزی خلق فلسطین را پیروزی خود و مبارزه خود را مبارزه خلق فلسطین می‌دانند.

راه سرخ بهروز بهروزیا ادامه دارد



پرسنل انقلابی نیروهای مسلح آذربایجان طی اعلامیه‌ای تیرباران سوان بهروز بهروزیا را محکوم کرده و اعلام کرده‌اند: "ما پرسنل انقلابی نیروهای مسلح آذربایجان ضمن محکوم کردن اعدام این افسرانقلابی بار دیگر پیوند خود را با خلق‌های زحمتکش میهنان اعلام کرده و در راه رهایی زحمتکشان میهنان از ستم طبقاتی و ملی مبارزه خواهیم کرد."

اعدام مجاهدین احمد و عبدالحسین عسکری را محکوم می‌کنیم

را محکوم می‌کنیم

در طول چند ماهی که از قسام شکوهمد خلق‌های ایران می‌گذرد، نیروهای ترمی خواه و انقلابی هیچ وقت از تعرض عوامل امپریالیسم و مرتجعین کوردل مصون نبوده‌اند. در این فاصله ما شاهد بازداشت، شکنجه، زندان و اعدام انقلابیون فراوانی بوده‌ایم. از جمله طبق اطلاعات موجود در متن از فعال‌ترین چهره‌های سیاسی و مذهبی سرورستان بنام‌های احمد و عبدالحسین عسکری که در بازداشت دادگاه انقلاب اسلامی قم بودند، توسط مرتجعین به قتل رسانده شده‌اند. شهادت رسیدند. احمد و عبدالحسین عسکری در ارتباط با راهپیمایی ۲۶ تیرماه که به مناسبت حمایت از "سعادت‌سی" مجاهدزندان برگزار شده بود، دستگیر و در دادگاه انقلاب تبریز به اعدام محکوم شده بودند. این دوشهید بعداً به قم منتقل شده و در آنجا به طرز فجیعی به شهادت می‌رسند. ما، کشتار مجاهدین احمد و عبدالحسین عسکری را محکوم می‌کنیم و یاد این دوشهید خلق را گرامی می‌داریم.

کارگاه

پانزدهمین شماره کارگنجوب نشریه هفتگی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، شاخه خوزستان انتشار یافت. در این شماره کارگنجوب، طی گزارشات اخبار کارگری مبارزه کارگران رزمندگان ایران در جنوب کشور انعکاس یافته‌است. در این شماره از نشریه علاوه بر این گزارش‌هایی از زندگی مشقت بار، کار سخت و شکل استثمار "گلاب‌ها" کارگران لنج ساز جنوب چاپ شده‌است که بسیار قابل استفاده می‌باشد. در سرمقاله کارگنجوب درباره

خوزستان در مبارزات طولانی علیه امپریالیسم‌ها به خوبی دریافت‌اند که گسترش و تعمیق و پیروزی نهایی انقلاب در گرو مبارزه قاطع و بی‌امان با امپریالیسم و پایگاه اصلی آن یعنی سرمایه‌داری وابسته است. در مقاله ضمن برشمردن تک تک کارخانه‌های بزرگی که هر یک به شکلی به امپریالیسم وابسته‌اند، به مبارزات کارگران قهرمان این صنایع برای قطع وابستگی‌ها اشاره شده و نقش عناصر صدام انقلابی منطقه همچون مدنی استا نندار خوزستان و کیان فرماندار اهواز که همه کوشش خود را برای سرکوبی مبارزات صدامپریالیستی و ضد سرمایه‌داری کارگران به کار گرفته‌اند، افشا شده‌است.

کمک‌های مالی دریافت شده

کد	مبلغ به ریال	کد	مبلغ به ریال	کد	مبلغ به ریال
۱۰۰۰۰	۱۶۲ ک	۱۰۰۰۰	۶۱۷ م	۵۰۰۰	۵۵۵ م
۲۰۰۰۰	۲۲۲ ن	۱۰۰۰۰	۱۲۰ ج	۵۰۰۰	۱۱۱ ج
۳۰۰۰۰	۱۶۲ ب	۵۰۰۰	۱۲۸ م	۵۰۰۰۰	۲۲۵
۱۵۰۰۰	۲۳۱ ج	۵۰۰۰	۲۷۰ ر	۵۰۰	۹۰
۵۰۰۰	۲۲۸ د	۱۰۰۰	۲۲۲ ج	۳۰۰۰	۲۲۱ ل
۱۲۰۰۰	۲۲۶ م	۱۰۰۰	۲۹۱ ج	۱۰۰۰	۲-۲۷۶
۲۰۰۰۰	۲۲۶ م	۵۰۰	۲۸ م	۵۰۰	۱۵۱ م
۵۰۰	۱۲۲ م	۵۰۰۰	۱۹۵ م	۵۰۰۰۰	۱۰۰ ب
۲۵۰	۱۹۱ الف	۲۰۰۰	۲۲۱ ج	۱۰۰۰۰	۲۱۲ ج
۱۲۰۰	۱۰۲ ب	۵۰۰	۳۰۰	۱۰۰۰	۲۷۶ ج
۲۰۰۰	۲۲۲ ر	۲۰۰۰	۲۲۲ م	۲۰۰۰	۷۷۱ م
۲۰۰۰	۲۰۰ ب	۵۰۰۷	۶۱۱ ر	۱۰۰۰۰	۲ الف
۲۰۰۰	۲۰۰ ب	۵۰۰	۵۲۵	۱۰۰۰۰	۲۲۱ ج
۱۲۰۰	۲۱۹ ج	۱۵۰۰۰	۲۲۲ م	۵۰۰۰	۵۰۰۰ ج
۱۰۰۰۰	۲۲۸ ج	۲۰۰۰	۲۲۵ ج	۱۲۰۰۰	۵۵۵
۷۰۰۰۰	۲۱۷ ر	۱۰۰۰۰	۲۱۹ ج	۱۰۰۰۰	۲۵۶ م
۱۱۲۰۰۰	۱۲۲ د	۵۰۰	۵۲۲ ب	۱۰۰۰۰	۲۵۷ م
		۳۰۰۰۰	۱۳۰ م		

رابطه آموزش و پراتیک

در این مرحله درک خلاق رابطه تئوری و پراتیک بطور اعم و آموزش و پراتیک بطور اخص مورد نظر است. پراتیک به معنای تغییر فعالیت واقعیت و تئوری به مثابه آنچه که از پراتیک برمی‌خیزد و راهنمای آن می‌شود. در آمیختن آموزش با زندگی، احتراز از مجرداندیشی و کلی‌گویی، چکیده درک لنینیستی از پیوند آموزش و زندگی است. ورطه هولناک گرافه‌گویی روشنفکرانه اریک سو وایتسدا ل امپریسم (اصالت عمل) از سوی دیگر در انتظار کسانی است که نمی‌توانند دیالکتیک تئوریک و پراتیک، آموزش و زندگی را دریابند. انقلابیون کمونیست می‌باید با این دو انحراف اساسی و مهلک به مبارزه‌ای بی‌گم‌برخیزند، ما با درک این ضرورت لازم دانستیم آموزش بزرگ لنینیست را در این پاره یادآور شویم. من باید بگویم که نخستین و ظاهراً طبیعی‌ترین پاسخ به این موضوع آن است که سازمان جوانان قبه در صفحه ۴

توضیح برای هواداران

از آنجا که گروه اسرف دهقانی، نشریات خود را با امضای چریکهای فدائی خلق و حتی جعل آرم "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" انتشار می‌دهد و از آنجا که ممکن است هنوز بسیاری از هم‌میهنان از اختلافات اساسی ایدئولوژیک سازمان با این قبیل گروه‌ها مطلع نباشند، از همه اعضاء و هواداران سازمان می‌خواهیم برای مردم توضیح دهند که تنها نشریات و اعلامیه‌هایی که به نام و امضای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران منتشر می‌شود، به سازمان تعلق دارد. بدیهی است که اهمیت این امر بیشتر از آنجا ناشی می‌شود که در مواردی دیده شده، توده مردم مواضع غلط و انحرافی این گروه‌ها را که به زبان جنبش صدامپریالیستی - دمکراتیک میهنان است، با مواضع سازمان اشتباه می‌کنند، که این خود می‌تواند به حیثیت و اعتبار سازمان و جنبش صدامپریالیستی ایران به ویژه جنبش کارگری آسیب‌های جدی وارد سازد.

توضیح درباره کمک‌های مالی

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران همواره تنها به حمایت مردم قهرمان ایران تکیه داشته‌است و امروز هم مانند همیشه متکی بر پشتیبانی هواداران است. کمک‌های مالی خود را از هر طریق که می‌شناسید و مطمئن‌تان دارید، به دست رفقای سازمان برسانید. از آنجا که نمونه‌هایی دیده شده‌است که عده‌ای با مقاصد مختلف با استفاده از نام سازمان به جمع‌آوری کمک‌های مالی می‌بادرت کرده‌اند، به دوستان و رفقا توصیه می‌کنیم برای اطمینان از دریافت کمک‌هاشان توسط سازمان به رابط دریافت کننده پول یک عدد سه رقمی هم که خودشان انتخاب کرده‌اند، همراه با حرف اول نام خود به عنوان "کد" بدهید. سازمان "کد" و حرف اول نام شمار همراه با مبلغی که پرداخته‌اید در نشریه "کار" به چاپ می‌رساند. به این ترتیب شما اطمینان خواهید یافت که کمک مالی‌تان به سازمان رسیده است. لازم به تذکر است که رابطه به هیچ وجه نباید به یک رابطه تشکیلاتی تلقی گردد. ما زهم میهنان مبارز می‌خواهیم با دقت کافی نسبت به این مسئله مانع از سوء استفاده عناصر فرصت طلب شوند.

ویژه افشای سرمایه‌داران لیبرال

با اینکه در شرایط فعلی احزاب و محافل سرمایه‌داران لیبرال خطر عمده برای جنبش صدامپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران هستند، با این همه طبق دستورالعمل "شورای انقلاب" افشای اسناد جاسوسی عوامل سیا و ساواک که همگی در همین احزاب و محافل گرد آمده‌اند، محدود و تحت کنترل در آمده‌است. ما در پاسخ "شورای انقلاب" که توده مردم را برای شنیدن حقایق و اطلاع از ماهیت دوستان و دشمنان خویش صالح تشخیص نداده و برای نجات دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکایی اعلام داشتند که اگر احیاناً سندی در مورد وابستگی این احزاب و محافل به دست آمد، در دادگاه‌های در بسته بررسی شود، برپا انتشار "کار" ویژه افشای سرمایه‌داری لیبرال "ضمیمه نشریه شماره ۳۹ - ۴۰ و برگزاری اجتماع روز شنبه ۱۵ دی ماه در دانشگاه تبریز، گوشید ما می‌دانیم، دادگاه افشاکاری را در حضور خلق برپا نخواهیم.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

عزگ بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما

ویژه افشای سرمایه داران لیبرال
دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا
حجمه ۱۲ شماره ۱۳۵۸

کارگران و زحمتکشان
برای افشاء و طرد سرمایه داران لیبرال و
پشتبرد عمارزه ضد امپریالیسم - دموکراتیک
متحد شوید

۶ صفحه - ۵ ریال

سازمان جریکهای فدائی خلق ایران

سال اول - ضمیمه کار شماره ۴۰

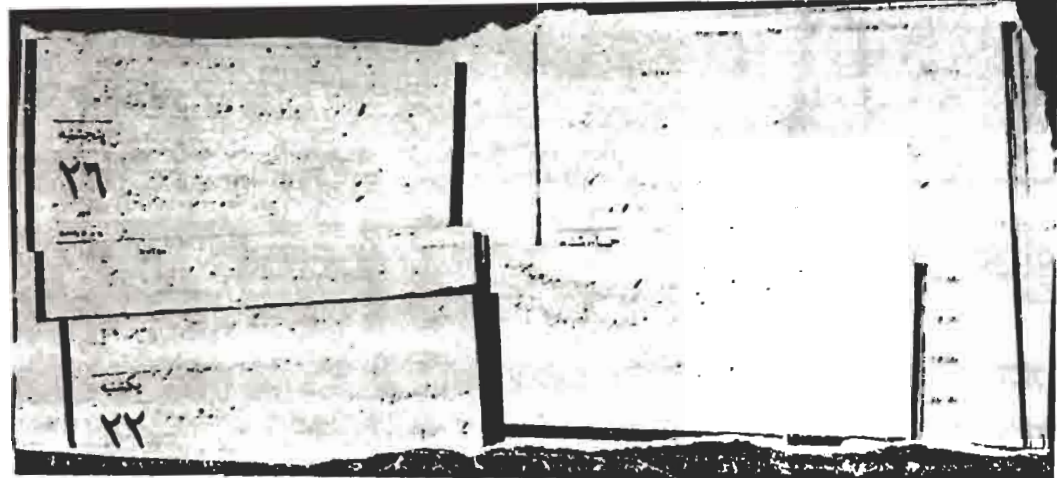
درپیشگاه خلق افشاء کنیم

یادداشت های
مقدم مراغه ای ،

- امیرانتظام با مقدم مراغه ای همکاری نزدیک داشته است.
- یادداشت های مراغه ای نشان می دهد که وی رابط یک شبکه جاسوسی است که برای آمریکا کار می کند.
- مراغه ای از طریق جاسوسان سفارت امریکا به نام های "توم پرشت" اطلاعات لازم را برای "کاخ سفید" فراهم می آورد.

دسیسه های تازه امپریالیسم امریکا

این اسناد بسیار جالب و کجکسی از محو موطن و پخته ها و دستهای امپریالیسم امریکا را افشا می کند. این اسناد نشان می دهد که امپریالیسم امریکا حکومتی دارد به کمک دوستان و جاسوسان خود سازمان های اطلاعاتی و ماسوا را معسر د دارد. حسن بوده ای را به مباحثه نکند و بلکه خود را جاسوس کند. از مقام تا کون دستجات لیبرالی تلاش داشته اند تا اسکا کونکسون و به هر ترتیب که شده جلوی کسری مسازرات صدر سرمایه داری و منسند امپریالیسمی بوده تا را بگیرند. آنها از تکیه تا کند و نکند روی منسحاب امام و منسحاب منسحاب امام بودن و از سوی دیگر با مریض و محمد از سازمان های اطلاعاتی کوشش کرده اند خود را از آرادخواه و همراه مردم جا برسد. و مرفی و مسرو مرفی کند. اما طولی نکند که کسری مسازرات صد امپریالیسمی بوده تا و حرکت مسروجات اطلاعاتی مس این دوستان ریالیسمی را مار کرد و ما همسان را بر مردم آنگار ساخت.



مقدم مراغه ای کیست؟ در صفحه ۲

دقت و حساسیت، ما هموران سیا در باره نقش و موقعیت گروه پنج نفری

از مطالعه یادداشت های مراغه ای حسن برمی آید که طی چند ماه پیش از تمام فعالیت جاسوسی امریکا در ایران منتهی به امیرانتظام و مقدم مراغه ای محدود بوده است. اینها اطلاعات دست اول دیگری از کارهای حاد کاندید دست می آورند. بعد نبود یک دسیسه بندی سطح مفره برکت از حمران، نقش زاده برزی، نشاطانی، مساتیان و مسدرب کرفس آنان در مادیات سن از جمله است گردان ما برانست کابل مورد توجه ماوران بنا بوده و بخور مسمر موسس

سوزی است و مسگر ساس کام بد کام است در حواصه این بد آفای موسوی جوشنی ربط و علنا یک بار دیگر به دفاع از این ساس سرمایه داران لیبرال پرداخته است. وطنه ما و دیگر نیروهای مسازر و اطلاعاتی است که به بوده های مردم نشان دهم این ساس در یک ساله اخیر نفس فقط این بوده که راه سازش حمران های حربه مسروواتی را ساس سرمایه داری انحصاری وابسته ساس امپریالیسم خمور سازد و به این ترتیب حسن را به سکت نکند. وطنه ما و دیگر نیروهای مسازر و اطلاعاتی است که با تمام مسرو به افشای ماحبت طغفانی، سابق ساسی و ساس کوسی محافل سرمایه داران لیبرال کسر بددم و ربر و بم ساس های آنها را در محصر دادگاه خلق های مهران ایران بر ملا سارم.

مراغه ای که برای کراری به مقامات باوق: تنظیم می شد در مورد مجلس حمران کوبای کوسهای از این واقعبت س. براغه ای نظرات، نکات و مسالی را که در رابطه با مجلس حمران و فاسون ساسی سن می آمد برای ساربان "سیا" کراری می کرده است. آنچه بوحسه بقده در صفحه ۲

لیبرالیسم قبای امپریالیسم

بازرگان از طرح اعلام انحلال "مجلس خبرگان" چه قصدی داشت؟! امریکا درباره تمام مسائل حارت کسور اطلاعات مورد نظر سکت جاسوسی سفارت امریکا در ایران و شرح ماس کند در سب احرا دارد به یکی دو مسئله جاس محدود سن سوز.

امیرانتظام و سکا طراچ کونای بقده

مجلس خبرگان که سن از ادغام ساس کاسه بدندس بازرگان خون اکبریت آبرا نرنداران احزاب و محافل سرمایه داران لیبرال و مدافعان ساس کام بد کسام سکت داده بودند. با صدور دستور العلی حواصه است از اصای ماحسب حمران های لیبرالی و سار سکار جلو کسری کند.

بدندس بازرگان که عمو برحسه

بازرگان از طرح اعلام انحلال ... بشارت صحیح

امیرانظام و سرکا؛ طراح کودتای محمد
امیرانظام و سرکا؛ طراح کودتای محمد
بازرگان از طرح اعلام انحلال ... بشارت صحیح
بازرگان از طرح اعلام انحلال ... بشارت صحیح

یادداشت‌های مقدمه‌ها ...

بازرگان از طرح اعلام انحلال ... بشارت صحیح
بازرگان از طرح اعلام انحلال ... بشارت صحیح

بازرگان از طرح اعلام انحلال ... بشارت صحیح
بازرگان از طرح اعلام انحلال ... بشارت صحیح

مقدمه مراغه‌ای کیست؟

مقدمه مراغه‌ای کیست؟
مقدمه مراغه‌ای کیست؟

مقدمه مراغه‌ای کیست؟

مقدمه مراغه‌ای کیست؟
مقدمه مراغه‌ای کیست؟

مقدمه مراغه‌ای کیست؟

مقدمه مراغه‌ای کیست؟
مقدمه مراغه‌ای کیست؟

دقت و حساسیت مأموران سیا ...

دقت و حساسیت مأموران سیا ...
دقت و حساسیت مأموران سیا ...

دقت و حساسیت مأموران سیا ...

دقت و حساسیت مأموران سیا ...
دقت و حساسیت مأموران سیا ...

دقت و حساسیت مأموران سیا ...

دقت و حساسیت مأموران سیا ...
دقت و حساسیت مأموران سیا ...

پر توان باد جنبش طبقه کارگر، پیش‌تاز مبارزات ضد امپریالیستی-دموکراتیک خلقهای ایران

پر توان باد جنبش طبقه کارگر، پیش‌تاز مبارزات ضد امپریالیستی-دموکراتیک خلقهای ایران
پر توان باد جنبش طبقه کارگر، پیش‌تاز مبارزات ضد امپریالیستی-دموکراتیک خلقهای ایران

۱۰ آبان آخرین
ملاقات مراغه‌ای با "برشت" صورت می‌گیرد. طالب است که برت امدوار است بعد از هفت ماه دوری در ایران سفر دانه باشد. هر چند که لحن و مضمون صحبت‌های برت و مراغه‌ای سراسر نوبتانه است و او آبان تاریخ آخرین یادداشت مراغه‌ای است بقیه آوران تقویم سعد است. نه روز بعد معارف امریکا اشغال می‌شود.

مهدی بازگان پیروزی قیام پرشکوه
بنین ماه را «مصیبت بزرگ» می‌دانند
نقل از "اطلاعات" سوم آذرماه ۱۳۵۸

ما اسناد زیر را بدون کم و کاست، بدون سانسور در دادگاد خلق منتشر می‌کنیم تا رهنمون عمل انقلابی تمام انقلابیونی گردد که در راه ایران آزاد و دموکراتیک مبارزه می‌کنند

August - September 1979
دو هفته اول شهریور

۱۷ شهریور
۱۸ شهریور
۱۹ شهریور
۲۰ شهریور
۲۱ شهریور
۲۲ شهریور
۲۳ شهریور
۲۴ شهریور
۲۵ شهریور
۲۶ شهریور
۲۷ شهریور

۱۷ شهریور
۱۸ شهریور
۱۹ شهریور
۲۰ شهریور
۲۱ شهریور
۲۲ شهریور
۲۳ شهریور
۲۴ شهریور
۲۵ شهریور
۲۶ شهریور
۲۷ شهریور

جله خصوصی در خیرگان
۱ شهریور

آقای حائری گفت مطلب این است که ما فقط باید خدایان را در نظر بگیریم. حتی به مومنان هم واسطه هستند. فقط واسطه باید خدا را در نظر بگیریم. بعد چند تذکر دادند که یکی هم موضوع مالکیت بود که گفتند که در مورد مالکیت هر چه می‌خواهند بگویند. مالکیت باید طبق اصول اسلام باشد. کم و زیاد کردن ندارد. بعد گفت بسا مدارس مختلف هم مخالفیم. در جواب این موضوع شیخ علی تهرانی وقت گرفت و گفت در مورد مسائل فقهی نظرات متفاوت است. در مورد مالکیت دلایل بسیاری آورد که نظرات مخالف مالکیت بود و درست در جهت مخالف حائری بود. بعد به پیشنهاد او اصله قرار شد که جلسه خصوصی داده‌اید و در ادامه جلسه خصوصی موضوع ولایت فقیه مطرح شد. شیخ صدر در ولایت فقیه صحبت کرد و بعد گفت مسائل فقهی با اجتهاد سازگارند. بعد از آن در رشته‌های مختلف به رشته

Monday 21 September 1979 - 12 August 1979

۲۱ شهریور

۲۱ شهریور
۲۲ شهریور
۲۳ شهریور
۲۴ شهریور
۲۵ شهریور
۲۶ شهریور
۲۷ شهریور
۲۸ شهریور
۲۹ شهریور
۳۰ شهریور

۲۱ شهریور
۲۲ شهریور
۲۳ شهریور
۲۴ شهریور
۲۵ شهریور
۲۶ شهریور
۲۷ شهریور
۲۸ شهریور
۲۹ شهریور
۳۰ شهریور

ملاقات با شریعتمداری
۲۱ مرداد

۱. من سوال می‌کنم که آیا نمایندگان مجلس خیرگان بهتر است استعفا کنند؟ من گفتم آن‌ها می‌توانند استعفا دهند چون شرکت آنها مفید تر باشد چون انتخابات را منعکس کنند و نظرات خودشان را اعلام کنند. بعد مشارکت موضوعی را حل نخواهد کرد. در مورد خودت گفت: من فکرم کم رفتن بهتر بود زیرا ربط موجود مصلحت نیست. بعد از ماه رمضان به قم می‌روم. در مورد خمینی گفت: عدالتی به‌شان را می‌خواهم که در این کشور است. اما از این که انال البته خودشان هم... دادند. در مورد خیرگان گفتند تنها در باجان که نیست بگذارید به‌نیم دیگران چه می‌کنند. فارسی‌ها آن‌ها همه ناراضی هستند. آن‌ها همه خبلی سخت حمله کرده‌اند. آن‌ها هم لایق کاری خواهند کرد. بعد از آن که تصمیم هم روشن شد آن وقت می‌شود تصمیم بعد از استعفا می‌گرفت. در مورد حزب جمهوری خلق مسلمان گفت: حزبی که می‌بایست

Monday 17 September 1979 - 8 August 1979

۱۷ شهریور

۱۷ شهریور
۱۸ شهریور
۱۹ شهریور
۲۰ شهریور
۲۱ شهریور
۲۲ شهریور
۲۳ شهریور
۲۴ شهریور
۲۵ شهریور
۲۶ شهریور
۲۷ شهریور
۲۸ شهریور
۲۹ شهریور
۳۰ شهریور

۱۷ شهریور
۱۸ شهریور
۱۹ شهریور
۲۰ شهریور
۲۱ شهریور
۲۲ شهریور
۲۳ شهریور
۲۴ شهریور
۲۵ شهریور
۲۶ شهریور
۲۷ شهریور
۲۸ شهریور
۲۹ شهریور
۳۰ شهریور

ملاقات با «قوم»
۲ شهریور

شرکت داشته باشید گفتیم تا دولت آینده فکری کنید. با ما است که انقلاب به پیش می‌رود. و مورد اطاعتی ندارید. گفتیم که شما را از این که استعفا بدهید نمی‌خواهیم. نظر مرا در مورد قانون اساسی جدید پرسید. چون مشکل اساسی ولایت فقیه مشکل اساسی می‌بود که گمان می‌کنم در این مورد ما هم زیاد اصرار نداشته‌اند. از گفته‌های بنی صدر پرسیدیم. هم بد است. رو به رفته فضا خوشبین است. امیدوارم که لااقل قانون اساسی جدیدی در حدود همان پیش‌پسین حل شود. گفتند استعفا است اگر فکر کنیم می‌شود زمان را عقب بگرداند ولی در محافل این مسئله مطرح است که چگونه می‌شود

Monday 4 September 1979 - 26 August 1979

۴ شهریور

۴ شهریور
۵ شهریور
۶ شهریور
۷ شهریور
۸ شهریور
۹ شهریور
۱۰ شهریور
۱۱ شهریور
۱۲ شهریور
۱۳ شهریور
۱۴ شهریور
۱۵ شهریور
۱۶ شهریور
۱۷ شهریور
۱۸ شهریور
۱۹ شهریور
۲۰ شهریور
۲۱ شهریور
۲۲ شهریور
۲۳ شهریور
۲۴ شهریور
۲۵ شهریور
۲۶ شهریور

۴ شهریور
۵ شهریور
۶ شهریور
۷ شهریور
۸ شهریور
۹ شهریور
۱۰ شهریور
۱۱ شهریور
۱۲ شهریور
۱۳ شهریور
۱۴ شهریور
۱۵ شهریور
۱۶ شهریور
۱۷ شهریور
۱۸ شهریور
۱۹ شهریور
۲۰ شهریور
۲۱ شهریور
۲۲ شهریور
۲۳ شهریور
۲۴ شهریور
۲۵ شهریور
۲۶ شهریور

ملاقات با «قوم»
۲۹ شهریور

معلوم نیست چند طول بکشد. عده‌ای گمان می‌کنند که مسئله حل می‌شود. کسانی مانند که غرب راهمائی کند ولی هنوز چند برابر (عددی) مخالف هستند. در تهران شایعات است که کار سیاسی و آمریکائی‌ها وضع جدید راه وجود آورده‌اند. گفتم چنین شایعاتی راه حلی جدید نیستند. با تحویل وباررسی وسایل بدکی موافقت کرده‌ام. گمان می‌کنم طرفدار همسولی گمان صمی این است که وضع فعلی را برای خود خطرناک نمی‌دانیم. عیب می‌رسد شایعه نیست. وزیر بریدی تا چه اندازه حقیقت دارد؟ گفتم درمن معائناتیم. معلا کار زیاد محال می‌دهد که ما این چیزها برسیم.

Thursday 28 September 1979 - 20 September 1979

۲۸ شهریور

۲۸ شهریور
۲۹ شهریور
۳۰ شهریور
۱ شهریور
۲ شهریور
۳ شهریور
۴ شهریور
۵ شهریور
۶ شهریور
۷ شهریور
۸ شهریور
۹ شهریور
۱۰ شهریور
۱۱ شهریور
۱۲ شهریور
۱۳ شهریور
۱۴ شهریور
۱۵ شهریور
۱۶ شهریور
۱۷ شهریور
۱۸ شهریور
۱۹ شهریور
۲۰ شهریور
۲۱ شهریور
۲۲ شهریور
۲۳ شهریور
۲۴ شهریور
۲۵ شهریور
۲۶ شهریور
۲۷ شهریور
۲۸ شهریور
۲۹ شهریور
۳۰ شهریور

۲۸ شهریور
۲۹ شهریور
۳۰ شهریور
۱ شهریور
۲ شهریور
۳ شهریور
۴ شهریور
۵ شهریور
۶ شهریور
۷ شهریور
۸ شهریور
۹ شهریور
۱۰ شهریور
۱۱ شهریور
۱۲ شهریور
۱۳ شهریور
۱۴ شهریور
۱۵ شهریور
۱۶ شهریور
۱۷ شهریور
۱۸ شهریور
۱۹ شهریور
۲۰ شهریور
۲۱ شهریور
۲۲ شهریور
۲۳ شهریور
۲۴ شهریور
۲۵ شهریور
۲۶ شهریور
۲۷ شهریور
۲۸ شهریور
۲۹ شهریور
۳۰ شهریور

ملاقات با «قوم»
۲۹ شهریور

معلوم نیست چند طول بکشد. عده‌ای گمان می‌کنند که مسئله حل می‌شود. کسانی مانند که غرب راهمائی کند ولی هنوز چند برابر (عددی) مخالف هستند. در تهران شایعات است که کار سیاسی و آمریکائی‌ها وضع جدید راه وجود آورده‌اند. گفتم چنین شایعاتی راه حلی جدید نیستند. با تحویل وباررسی وسایل بدکی موافقت کرده‌ام. گمان می‌کنم طرفدار همسولی گمان صمی این است که وضع فعلی را برای خود خطرناک نمی‌دانیم. عیب می‌رسد شایعه نیست. وزیر بریدی تا چه اندازه حقیقت دارد؟ گفتم درمن معائناتیم. معلا کار زیاد محال می‌دهد که ما این چیزها برسیم.

Monday 10 September 1979 - 9 September 1979

۱۰ شهریور

۱۰ شهریور
۱۱ شهریور
۱۲ شهریور
۱۳ شهریور
۱۴ شهریور
۱۵ شهریور
۱۶ شهریور
۱۷ شهریور
۱۸ شهریور
۱۹ شهریور
۲۰ شهریور
۲۱ شهریور
۲۲ شهریور
۲۳ شهریور
۲۴ شهریور
۲۵ شهریور
۲۶ شهریور
۲۷ شهریور
۲۸ شهریور
۲۹ شهریور
۳۰ شهریور

۱۰ شهریور
۱۱ شهریور
۱۲ شهریور
۱۳ شهریور
۱۴ شهریور
۱۵ شهریور
۱۶ شهریور
۱۷ شهریور
۱۸ شهریور
۱۹ شهریور
۲۰ شهریور
۲۱ شهریور
۲۲ شهریور
۲۳ شهریور
۲۴ شهریور
۲۵ شهریور
۲۶ شهریور
۲۷ شهریور
۲۸ شهریور
۲۹ شهریور
۳۰ شهریور

ملاقات با «قوم»
۲۹ شهریور

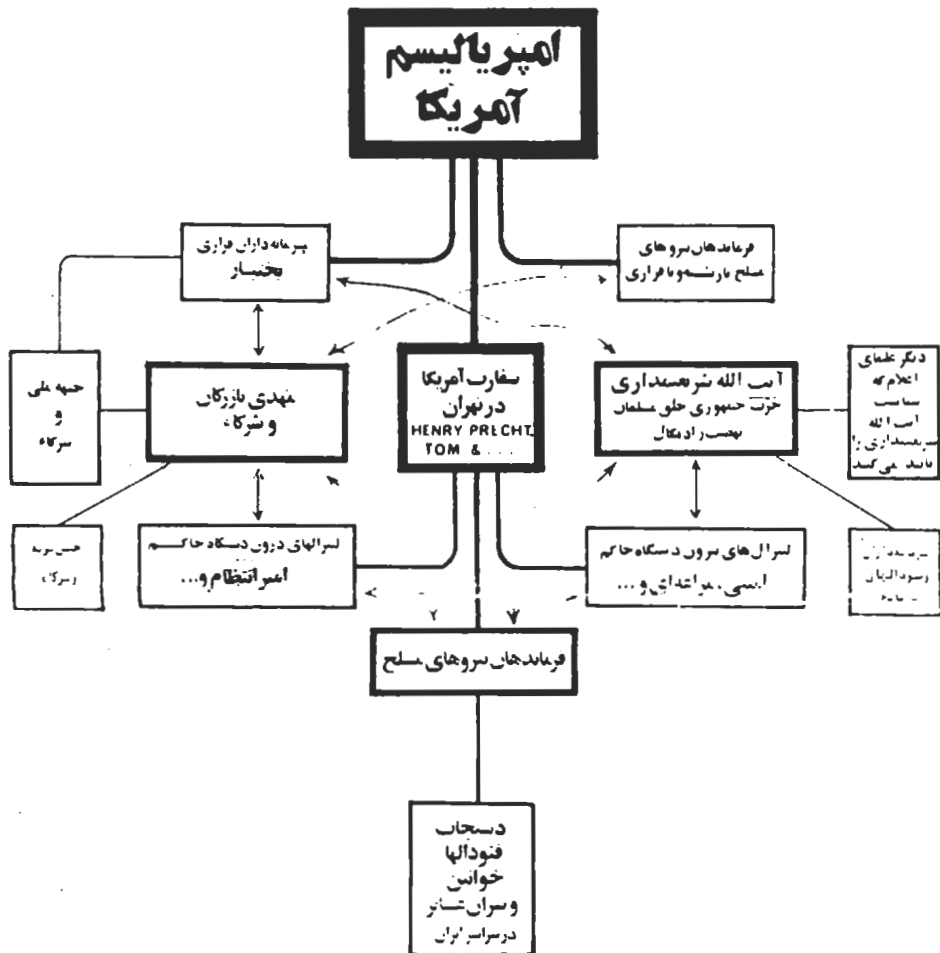
معلوم نیست چند طول بکشد. عده‌ای گمان می‌کنند که مسئله حل می‌شود. کسانی مانند که غرب راهمائی کند ولی هنوز چند برابر (عددی) مخالف هستند. در تهران شایعات است که کار سیاسی و آمریکائی‌ها وضع جدید راه وجود آورده‌اند. گفتم چنین شایعاتی راه حلی جدید نیستند. با تحویل وباررسی وسایل بدکی موافقت کرده‌ام. گمان می‌کنم طرفدار همسولی گمان صمی این است که وضع فعلی را برای خود خطرناک نمی‌دانیم. عیب می‌رسد شایعه نیست. وزیر بریدی تا چه اندازه حقیقت دارد؟ گفتم درمن معائناتیم. معلا کار زیاد محال می‌دهد که ما این چیزها برسیم.

قطع کامل وابستگی اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی با امپریالیسم امریکا خواست مردم زحمتکش ایران است

مشخصات دوستان و جاسوسان آمریکا و سیاست امپریالیسم را بشناسیم

شناختن اجرا کنندگان سیاست امپریالیسم وظیفه همه ما است. شناختن و رسوا کردن آنها باعث میشود که دشمن نتواند توطئه‌های خود را علیه ما اجرا کند. وقتی بدانیم مشخصات دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا چیست، می‌توانیم آنها را بشناسیم و رسوا کنیم. از روی همین مشخصات بود که ما از همه‌پیش‌اعلام داشتیم اعتراضات نظام و اعتال او عوامل امپریالیسم آمریکا هستند.

این مشخصات به قرار زیر است:



بارس و بلوچستان در عمان از سوی دینکر و همجنس روابط پنهان و آشکار بران سابق آرسن آریامهری با اختصار و جریان بحث رهبری آس‌الله سرمدداری همه و همه گویای توجه آمریکا به طرح "خیزش" است. ما بر بنیاد تحلیل انتقادی‌هایی که تاکنون صورت گرفته، اطلاعاتی که مطابق خواهد بود مدارک به دست آمده، نتایج از سیاست امپریالیسم آمریکا و نتیجه سجدده‌ای که هم‌اکنون در دل جامعه ما به صورت یک جریان در حال فعالیت است، تبیین می‌کنیم تا ذهن هم‌میچکن به صورتی روشن تر، از حقایق امور مطلع سازیم.

این وظیفه سازمان‌های سیاسی مردمی و مرفقی است که خلق ما را از ماهیت این جریان آگاه سازند و توده مردم را از خطری که اکنون خطر عمده برای حقیقت صد امپریالیستی-دمکراتیک خلق‌های ایران محسوب می‌شود، مطلع نمایند.

مطالعه یادداشت‌های می‌پسندس براندازی سان می‌دهد امپریالیسم آمریکا پس از شاه برای حفظ واسطی‌های استعماری به سر مفسی از جانب سرآمدداران واسد ما پس از دینکران دل‌خوس کرده است. سری کسسه امپریالیسم آمریکا و مزدورسان آنها را "روسفکر" می‌نامند. اس سرکه پس از تمام بیهم ماه پس از چند در دستگاه دولت بازرگان حاجور کرده است. مدبران کارخانجات، بانکها و شرکت‌های خصوصی، کارمندان تالیرسد دولسد سابق و فرماندهان آرسن آریامهری رادر برمی‌گرد. اس سر تعلقا سنها امسد و آجرس امسد خود را بازرگان‌ها و سرکا می‌داند. حله ما به سنیای حج ساری به اس به اصطلاح یکمکراتک سنیای سرسرده امپریالیسم و سرآمدداری ندارد بلکه درست برعکس باید ما تمام سورو به انسان ماهبت اس جریان برحسرد و اسان را از حقوق خود براند.

اسناد سان می‌دهند که آمریکا همسور تم همان طرح جرح‌نالی اگد سسل از

مطالعه یادداشت‌های می‌پسندس براندازی سان می‌دهد امپریالیسم آمریکا پس از شاه برای حفظ واسطی‌های استعماری به سر مفسی از جانب سرآمدداران واسد ما پس از دینکران دل‌خوس کرده است. سری کسسه امپریالیسم آمریکا و مزدورسان آنها را "روسفکر" می‌نامند. اس سرکه پس از تمام بیهم ماه پس از چند در دستگاه دولت بازرگان حاجور کرده است. مدبران کارخانجات، بانکها و شرکت‌های خصوصی، کارمندان تالیرسد دولسد سابق و فرماندهان آرسن آریامهری رادر برمی‌گرد. اس سر تعلقا سنها امسد و آجرس امسد خود را بازرگان‌ها و سرکا می‌داند. حله ما به سنیای حج ساری به اس به اصطلاح یکمکراتک سنیای سرسرده امپریالیسم و سرآمدداری ندارد بلکه درست برعکس باید ما تمام سورو به انسان ماهبت اس جریان برحسرد و اسان را از حقوق خود براند.

اسناد سان می‌دهند که آمریکا همسور تم همان طرح جرح‌نالی اگد سسل از

- ۱ آنها در هر کجا و در هر لباسی که باشند همیشه تلاش می‌کنند سازمانهای پلیسی و جاسوسی و ادارات ضد اطلاعات را از نو برآه اندازند
- ۲ آنها تلاش می‌کنند همان ارتش ضد حلقی و سرکوبگر آریامهری را حفظ و احیا نمایند و برای این کار از فرماندهان جنایت کار ارتش حمایت می‌کنند و به آمریکا سفارش اسلحه و لوازم یدکی می‌دهند
- ۳ آنها دشمن سربازان، درجه داران و افسران چیز هستند و پیوسته بر علیه پرسنل انقلابی ارتش توطئه می‌کنند
- ۴ آنها ضد کمونیست هستند و مدام علیه کمونیست‌ها و سایر انقلابیون و همچنین علیه کشورهای سوسیالیستی تبلیغ می‌کنند
- ۵ آنها وقتی مبارزات ضد امپریالیستی مردم اوج می‌گیرد، تلاش می‌کنند بین مردم بفرقه بیندازند
- ۶ آنها دشمن صلح عادلانه در کردستان هستند و سرکوب و کشتار خلق کرد خلق ترکمن و دیگر خلق‌های ستمکش ایران را تبلیغ می‌کنند
- ۷ آنها با شورای کارگران، کارمندان، نظامیان و اتحادیه‌های دهقانی دشمنی می‌کنند، آنها هر جا که بتوانند این شوراهای و اتحادیه‌ها را متلاشی می‌کنند
- ۸ آنها مودبانه مردم را به نرمش و آستی با آمریکا دعوت می‌کنند، آنها می‌گویند همه امپریالیستها دشمن مردم نیستند
- ۹ آنها دشمن آزادی و حقوق دموکراتیک مردم و دشمن آزادی قلم و بیان هستند
- ۱۰ آنها برای دشمنان مردم، برای ساواکیها و دیگر جنایتکاران رژیم شاه دل می‌سوزانند و سعی می‌کنند از افشای نام آنها و مجازاتشان جلوگیری کنند
- ۱۱ آنها مرتباً به مردم دروغ می‌گویند و تلاش می‌کنند از آگاه شدن مردم و دخالت مردم در امور جلوگیری کنند

افشای امریکائی باید ادامه یابد